نسیم جنوب
www.nasimjonoub.com
سال شانزدهم - شماره ۶۹۲ - یک شنبه ۶ اسفند ۱۳۹۱ - ۸ صفحه - ۵۰۰ تومان



رئیس سازمان نظام مهندسی ساختمان استان بوشهر:

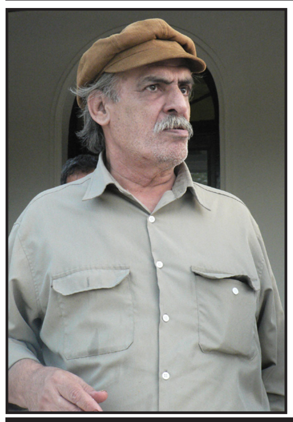
ضروری است فکر اساسی جهت حفظ بافت گرانبهای قدیم بوشهر صورت پذیرد

صفحه ۲

هنرمندان بوشهر؛ دست‌های خالی، اندیشه‌های لبریز...!

ایرج صغیری

صفحه ۴



آثار باستانی دانشکده معماری و شهرسازی بوشهر؟!

صفحه ۳



عکس از سروش قیصی زاده

۳ ابوالحسن گنخکی
دغدغه امروز کارگران منطقه عسلویه؟!

۴ جهانشیر یاراحمدی
روایت هنری روزگار میرمهنا در مجتمع فرهنگی بوشهر

۵ علیرضا مظفری زاده
به سوی سرنوشت چهل سال قبل در همین روز

۶ عبدالحمید قیصری
ناجی میرمهنا از اسارتگاه کریم خان زند

غمِ غریبِ غربتِ ما، در دیار خویش

مُهنا و محسن، ترس مشترک مسئولان فرهنگی استان بوشهر



جزئیات پنجمین دوره بزرگداشت "۱۸ اسفند"

پاسداشت همایون خرم در روز بوشهر

صفحه ۷

مهندس علیرضا سنائی دشتی، رئیس سازمان نظام مهندسی ساختمان استان بوشهر و عضو شورای بافت تاریخی استان:

ضروری است هرچه سریعتر فکر اساسی جهت حفظ بافت گرانبهای قدیم بوشهر صورت پذیرد



– جناب آقای مهندس به نظر شما اهمیت بافت قدیم بوشهر چه اندازه است؟
– بافت قدیم بوشهر یکی از چهار بافت مطرح دنیا می باشد که ویژگی های منحصر به فرد آن باعث شده مورد توجه بسیاری از شهرسازان و معماران صاحب نام قرار گیرد.
– این بافت از لحاظ مهندسی ساخت و ساز چه ویژگی هایی دارد؟
– در حالیکه آب و هوای گرم و مرطوب بالای بوشهر طبیعتا زندگی را در ایام گذشته سخت می کرده است، با وجود این مهندسی ساخت آن باعث شده که هم ماندگاری بیشتری داشته باشد و هم کاربری آن با آسایش و رفاه و امنیت بیشتری همراه باشد. کوچه های بسیار باریک و ساختمان های بلند طرفین کوچه ها موید آسایش است که باعث کاهش نور خورشید و افزایش سایه در طول روزهای گرم بوده است. در عین حال جریان هوا با شتاب بیشتری به واسطه این خصوصیت جریان دارد و کاهش رطوبت را باعث می شود.
رعایت خط آسمان نیز با توجه به پستی و بلندی گریزناپذیر بافت قابل توجه است که پشت بام ها اکثراً در یک سطح قرار گرفته اند و سایه سازی ساختمان ها را افزایش داده است. همچنین با توجه به پیچیدگی کوچه ها جهت افراد غریب کاهش امکان تعرض را باعث میشود که باعث افزایش امنیت خواهد بود.

– چگونه میشود این بافت ارزشمند را ترمیم و حفظ نمود و به عقیده شما هزینه ی آن به چه صورت است؟
– ابتدا بایستی مشخص کرد چه کسی متولی نگهداری از بافت است، با توجه به وسعت حدود ۳۵ هکتاری آن و استفاده از مصالح سنگ و گچ و چوب و گذشت بیش از ۱۰۰ سال از عمر آن، طبیعتاً هزینه حفظ و نگهداری آن رقم بسیار بالایی خواهد بود و نظر به اینکه تجربه نشان داده است حضور خود مردم در حفظ و نگهداری موثرتر و سریعتر خواهد بود لذا به نظر می رسد با توجه به تخریب تعدادی از بناهای موجود و ترک محل توسط افراد ساکن و جایگزینی کارگران فصلی ضروری است هرچه سریعتر با کمک صاحبان آن فکر اساسی و فوری جهت حفظ این میراث گرانبها صورت پذیرد.
طبیعتا ترمیم ساختمان ها با توجه به تخصص و تکنولوژی های جدید امکان پذیر است ولی هزینه های خاص خود را خواهد داشت لذا به هزینه بایستی به صورت مستقل توجه کرد و ترمیم آنرا مدیریت نمود.
– شورای بافت قدیم بوشهر چه اقداماتی می تواند برای نجات این بافت ارزشمند انجام دهد؟
– شورای بافت قدیم یک اتاق فکر بسیار مثمر ثمر خواهد بود که با توجه به ترکیب آن که علی الخصوص از ساکنین بافت نیز در آن حضور دارند، مثلاً آقای حاج حسین وردیانی که از معتمدین شهر هستند می تواند راهکارهای مناسبی با توجه به شرایط موجود ارائه کند که در حفظ این ارزش موثر باشد.
– آیا سازمان نظام مهندسی ساختمان استان بوشهر این توان را دارد که بطور ویژه بر روی بافت قدیم بوشهر تحقیق و بررسی انجام داده و راهکاری را برای ترمیم و حفظ آن ارائه نماید؟
– در سال گذشته به کمک این سازمان همایشی چند روزه بصورت کارگاهی و متشکل از کارگروه های مختلف تشکیل شد که به عنوان معماری از پنجره بوشهر مطرح گردید. در این کارگاه نفرات صاحبنظر و علاقمند در حوزه معماری، شهرسازی و دیگر گروه ها در آن شرکت نمودند که این می تواند دستمایه ای باشد برای شورای بافت قدیم بوشهر و دیگر عزیزانی که در جهت حفظ آن کوشش می کنند.



در آیین تودیع و معارفه فرماندار سابق و جدید جم مطرح شد:

بیشتر مصوبات دولت در جم زمین مانده است

رئیس شورای اسلامی جم گفت: بیشتر مصوبات دولت در این شهرستان بر زمین مانده است. سید علیرضا سجادی‌زاده در آیین تودیع و معارفه فرماندار سابق و جدید جم اظهار کرد: جم دارای قابلیت‌های زیادی بوده و استفاده بهینه از ظرفیت‌های موجود برای توسعه شهرستان ضروری است. وی افزود: با وجود کارهای ارزشمندی که توسط دولت انجام گرفته است، کاستی‌های زیادی در شهرستان داریم و برای رسیدن به نقطه مطلوب باید تلاش بیشتر و موثرتری انجام شود. رئیس شورای اسلامی جم خاطرنشان کرد: دولت مصوبات خوبی در شهرستان داشته است که اجرای این مصوبات سبب تحول در جم می‌شود و با وجود پیگیری‌های صورت گرفته بیشتر مصوبات روی کاغذ مانده و پیشرفتی نداشته است. سجادی‌زاده تصریح کرد: روشنایی تونل‌های جم، اجرای تقاطع غیرهمسطح و پروژه بزرگ آب کوثر از جمله پروژه‌های بر زمین مانده است که انتظار داریم با تلاش فرماندار جدید موانع اجرای این پروژه‌ها برداشته شود. وی اضافه کرد: عبداللهی نیز در راستای عمران و آبادانی جم تلاش خوبی داشت و اقدامات موثری انجام داد که امیدواریم در مسئولیت جدید نیز موفق باشد.
رئیس شورای اسلامی انارستان نیز خواستار توجه بیشتر به کشاورزی شهرستان جم شد. محمد حیدری گفت: شهرستان جم دارای اراضی مستعدی برای کشاورزی است و تولیدات بسیار خوبی دارد؛ لذا توسعه زیرساخت‌های کشاورزی امری لازم برای این شهرستان است. وی خواستار بازدید استاندار بوشهر از مناطق مختلف جم شد . در این آیین با تجلیل از خلیل عبداللهی فرماندار سابق جم، عبدالرسول زارع به عنوان فرماندار جدید این شهرستان معرفی شد./ منبع:فارس

تذکر نماینده دشتستان درباره امنیت شهرستان

موسوی‌نژاد نماینده دشتستان به وزرای کشور و دادگستری در خصوص عدم امنیت در شهرستان دشتستان و افزایش تعداد سرقت‌های مسلحانه و غیر مسلحانه در کشور تذکر داد.
جواد جهانگیرزاده عضو هیأت رئیسه مجلس روز سه شنبه ۱ اسفند تذکرات کتبی نمایندگان به مسئولان اجرایی را قرائت کرد، که دو تذکر توسط حجت الاسلام والمسلمین موسوی نژاد نماینده مردم دشتستان در بین آنها وجود داشت. تذکرات به این شرح است: "موسوی‌نژاد نماینده دشتستان به وزیر کشور درخصوص تسریع در پرداخت خسارات ناشی از سیلاب آذر ماه دشتستان تذکر داد." موسوی‌نژاد نماینده دشتستان به وزرای کشور و دادگستری در خصوص عدم امنیت در شهرستان دشتستان و افزایش تعداد سرقت‌های مسلحانه و غیر مسلحانه در کشور تذکر داد./ منبع:خانه ملت

مصوبه دولت غیر کارشناسی است

نارضایتی مردم استان بوشهر از مصوبه بومی‌شدن فارس با عسلویه

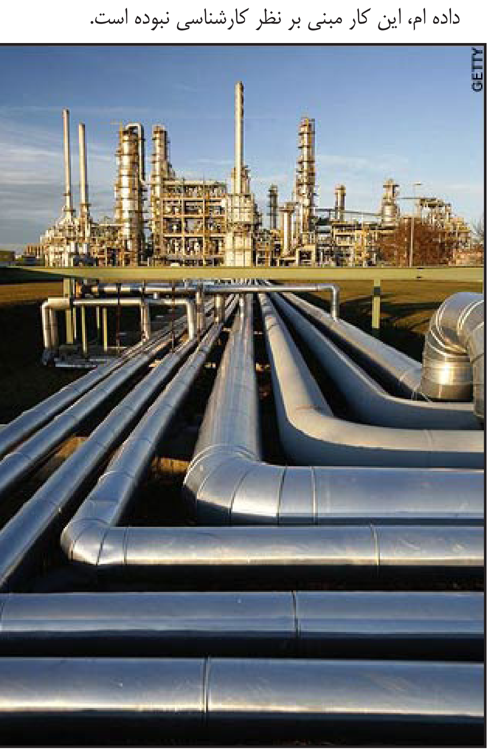
در حالیکه مصوبه اشتغال ۵۰ درصد نیروی بومی استان بوشهر در صنایع نفت و گاز عسلویه به صورت کامل اجرایی نشده، دولت در مصوبه جدیدی بخشی از استان فارس را نیز به عنوان بومی منطقه عسلویه محسوب و در این سهم اشتغال سهیم کرده است.
طبق مصوبه جدید هیئت دولت، تا شعاع ۱۰۰ کیلومتری از عسلویه به سمت استان فارس، بومی عسلویه و شامل ۵۰ درصد نیروی بومی برای اشتغال در منطقه نام‌برده محسوب می شود.
از این پس تمام ساکنین مهر، خنج و لامرد و بخش‌های از لارستان، گراش، قیروکارزین و فراشبند با جمعیتی چند ده هزار نفری، جزو بومیان عسلویه برای اشتغال محسوب می شوند.
چندی پیش نیز هیئت دولت مصوبه ای را گذراند که به موجب آن تا شعاع ۱۰۰ کیلومتری از خاک عسلویه به سمت هرمزگان، جزو بومیان و مشمول مصوبه ۵۰ درصد نیروی بومی برای اشتغال در عسلویه محسوب شدند.
بر اساس این مصوبه شهرستان‌های بندر لنگه، پارسیان و بستک از این مصوبه استفاده می کنند. روی هم رفته این سه شهرستان نیز جمعیتی حدود ۳۰۰ هزار نفر را در خود جای داده اند.

اعلام نارضایتی مردم از مصوبه جدید دولت

جلیل صفایی یکی از شهروندان کنگانی در این خصوص گفت: این موضوع مسئله بده بستان نمایندگان استان فارس را با دولت در اذهان عمومی متبادر می‌کند.
وی افزود: اینکه مسئولان استان فارس از قدرت چانه‌زنی و نفوذ بالایی در مجلس و دولت برخوردارند، بر کسی پوشیده نیست.
این شهروند کنگانی خاطرنشان کرد: اینکه عسلویه نیز در آینده از استان بوشهر انتزاع یابد و به استان فارس ملحق شود موضوع تکراری محتمل اما قابل تامل است.
فرمانداری ویژه برای کنگان هیچ منافاتی با شهرستان شدن عسلویه ندارد
یکی دیگر از شهروندان کنگانی نیز گفت: مردم استان بوشهر که همواره در تمامی صحنه ها از جمله شکل گیری انقلاب، دفاع مقدس، پشتیبانی از ولایت فقیه، راهپیمایی‌ها، انتخابات و...وفاداری خود را به نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران به اثبات رسانده اند، شایسته این گونه بی‌مهری‌ها و بی‌عدالتی‌ها نیستند.
محمدی عنوان کرد: دولتی که باید به حافظان خلیج فارس توجه ویژه ای داشته باشد، بدین شکل از خجالت مردم استان بوشهر و شهرستان کنگان خارج شد.
وی خاطرنشان کرد: با شهرستان شدن عسلویه، تاسیسات حیاتی، مرز آبی، محدوده جغرافیایی، جمعیت و...شهرستان کنگان به دو نیم تقسیم می‌شود و به همین خاطر مردم کنگان برای همیشه از حق فرمانداری ویژه محروم خواهند شد.
محمدی اذعان داشت: همه می‌دانیم از زمانی که شرکت‌ها و پالایشگاه‌ها در شهرستان کنگان مستقر شدند، علاوه بر فوایدی که برای همه مردم ایران، استان و شهرستان داشته، معضلاتی را نیز به وجود آورده است.
این شهروند با اشاره به برخی از مشکلات به وجود آمده پس از مستقر شدن صنعت نفت و گاز در منطقه یادآور شد: از جمله این مشکلات که به شدت با ما دست به گریبان شده، بالا رفتن قیمت زمین، خانه، اجاره خانه و اجاره مغازه، انفجار جمعیتی، افزایش تصادفات و حوادث، جوابگو نبودن امکانات، تضاد خرده فرهنگ‌ها، معضلات اجتماعی، افزایش جرم، تورم، آلودگی هوا، افزایش بیماری‌های ناشی از آلودگی‌ها، از بین رفتن جاهای دیدنی و ده‌ها موارد دیگر است که مردم شهرستان کنگان از آن رنج می برند.

مصوبه دوم دولت بر اساس کار کارشناسی نیست

نماینده مردم، دیر، کنگان و جم در مجلس شورای اسلامی در مورد مصوبه اخیر دولت گفت: طبق بررسی که بنده در خصوص مصوبه دوم دولت در رابطه با افزایش شعاع بومی بودن انجام داده ام، این کار مبنی بر نظر کارشناسی نبوده است.



حجت الاسلام موسی احمدی تصریح کرد: متاسفیم از اینکه دولت در یک مرحله تصمیم می گیرد و در حالی که آن تصمیم اجرایی نشده، تصمیم دیگری اتخاذ می کند که نه تنها مشکلی را حل نمی کند بلکه بر مشکل می افزاید.
وی افزود: نزدیک به شش ماه است که وارد مجلس شده ام؛ در این مدت جلسات متعددی با مسئولین منطقه ای در رابطه با مصوبه ۵۰ درصدی هیئت دولت که در سال ۸۴ به تصویب رسیده برگزار کردیم و تا هنوز نتیجه ملموس و محسوسی بدست نیامده است.
نماینده مردم دیر، کنگان و جم تاکید کرد: کسانی که در مکانهای آلاینده زندگی می کنند، امکانات مادی خود را از دست داده اند. کشاورزی، دامداری، صیادی، مراکز تفریحی، تجاری، در معرض تورم شدیدتر، تراکم جمعیت بیش از حد، عدم وجود امکانات مناسب با توجه به افزایش جمعیت چه در بعد فرهنگی و چه در بعد اقتصادی مواجه شده اند، آن ها باید از این امکانات بهره بگیرند.

کاش دولت قبل از تصویب مصوبه جدید، مصوبات قبل را بررسی می‌کرد

حجت الاسلام احمدی ادامه داد: در حالی که هم اکنون هر روز و هر هفته با افرادی مواجه هستیم که متاسفانه بارها به شرکت ها مراجعه کردند و ماه ها در انتظار پایین ترین شغل به سر می برند، ولی تا کنون حاصل نشده است.
وی افزود: فارغ التحصیلان منطقه ما که در آزمون ها شرکت کرده اند با موانعی مواجه شده اند که متاسفانه حتی در آن محدوده ۵۰ درصدی نیز جذب نشده اند.
نماینده دیر، کنگان و جم گفت: ای کاش دولت در زمان تصویب اینگونه مصوبات یک کار کارشناسی کرده بود و میزان اجرایی شدن مصوبه خودش را در قبل بررسی می کرد و چنانچه در این زمینه موفقیتی می دید آنگاه به افزایش این شعاع مبادرت می ورزید.
احمدی خاطرنشان کرد: ما اکنون دقیقا این موضوع را در دستور کار و بررسی خویش قرار داده ایم و کارگروه هایی که در بحث اشتغال ایجاد کرده ایم پیگیر بررسی آسیب های این مصوبه هستند و قطعا در مجمع نمایندگان مطرح خواهیم کرد، هرچند با دوستان نماینده این موضوع را مطرح کرده ایم و همه در حال بررسی کارشناسی این قضیه هستیم.
وی ابراز امیدواری کرد: امیدواریم تصمیماتی که دولتمردان می گیرند و مصوباتی که انجام می دهند بر مبنای واقعیت های موجود کشوری و منطقه ای باشد نه به صرف درخواست عده ای.

جوانان استان بوشهر همچنان از بی‌کاری رنج می‌برند

نماینده مردم بوشهر، گناوه و دیلم در مجلس شورای اسلامی در خصوص گسترش شعاع ۱۵۰ کیلومتری برای جذب نیرو در استان های فارس و هرمزگان تحت عنوان مناطق بومی انرژی پارس عسلویه گفت: از دولت عدالت محور این انتظار بود و هست که بر اساس موازین عمل کند و از عوامل نفوذی تبعیت نکند ولی متاسفانه گاه شاهد مصوباتی در دولت هستیم که شائبه بالا رفتن نفوذ و کم شدن رنگ و بوی عدالت را دارد.
عبدالکریم جمیری تصریح کرد: مصوبه اخیر دولت نشان داد که دولت محترم به جای پاسخگویی به مردم استان که چرا هنوز نتوانسته است زمینه اشتغال جوانان عزیز بوشهری را تا سقف ۵۰ درصد در منطقه انرژی پارس فراهم کند، سهمیه ۵۰ درصدی را به ۲۵ درصد کاهش داده است و جوانان جویای کار استان همچنان از بی کاری رنج می برند.
وی اظهار داشت: دولت با برنامه ریزی مناسب و ایجاد زیر ساخت مناسب باید توان خود را برای اشتغال جوانان استان بوشهری با استفاده از وجود نفت و گاز استان بالا می برد.
نماینده مردم بوشهر، گناوه و دیلم عنوان کرد: این نقص در کار و برنامه دولت نباید به حذف سهمیه مردم استان ختم شود.
جمیری با طرح این سوال که آیا سهم مردم بوشهر فقط بهره‌مندی از آسیب‌های زیست محیطی منطقه است، افزود: دولت باید توان خود را در شناسایی فرصت‌های شغلی به نیروهای طالب کار در سطح استان بالا ببرد و بیکاری را که یکی از مشکلات اساسی جامعه امروز ما است حل کند.
وی گفت: در مصوبات دولت، فقط رئیس دولت مسئول نیست بلکه همه اعضای دولت مسئول رای و نظر خود هستند و باید پاسخگو باشند و اگر همگان خود را مسئول بدانند، مصوبات از اتقان بهتری برخوردار می شد و قطعا رضایت مندی مردم را بیشتر جلب می کرد.
منبع: مهر

دلایل ضعف امنیتی دشتستان از زبان امام جمعه:

امنیت شهرستان دشتستان مطلوب نیست

امام جمعه برازجان گفت: امنیت شهرستان دشتستان مطلوب نیست و گسترش سطح امنیتی این شهرستان از خواسته‌های اساسی و عمومی مردم دشتستان است.
حجت الاسلام حسن مصلح در خطبه های نماز جمعه برازجان با تشریح دلایل ضعف امنیتی دشتستان، اظهار داشت: حضور افراد غیر بومی، بیکاری، افزایش مصرف مواد مخدر، سطح فرهنگی برخی خانواده‌ها، عدم برخورد قاطع دستگاه قضایی و غیره از دلایل ضعف امنیت در شهرستان دشتستان است.
مصلح به شاخص‌های امنیتی شهرستان دشتستان اشاره کرد و یادآور شد: در سال‌های اخیر شاخص‌های امنیتی رشد بسیار خوبی داشته که این امر نشان از دقت و حساسیت متولیان امنیت، دستگاه قضایی، انتظامی و اطلاعاتی در شهرستان است ولی باید نظارت بیشتری بر وضعیت امنیتی دشتستان باشد.
وی افزود: مبارزه با مصرف مواد مخدر، توسعه فرهنگ اجتماعی، توسعه زیرساخت‌های فرهنگی، خلع سلاح عمومی، تقویت نیروی انتظامی از راهکارهایی است که برای توسعه سطح امنیتی شهرستان دشتستان باید مورد توجه قرار گیرد.
مصلح بیان داشت: مردم نقشی مهم و سنگین در بهبود وضع امنیت جامعه دارند و باید از طریق همکاری با دستگاه‌های متولی زمینه بهبود امنیت شهرستان را به‌وجود آورند. / منبع:فارس

انتقاد فرماندار دیر از نفتی ها

فرماندار دیر گفت: رسیدگی به محرومان باعث کم شدن فاصله مالی میان آنان و قشرهای پردرآمد شده وفاصله طبقاتی در جامعه را کاهش می دهد. علی بحرانی در دیدار با مردم محروم روستای مخدان شهرستان دیر با انتقاد از همکاری نکردن منطقه عملیاتی نار وکنگان با مردم این روستا گفت: این شرکت درفاصله ۱۰۰متری این روستا واقع شده است اما هیچ خدماتی به مردم آن ارائه نمی کند.
وی افزود: نفت و گاز با توجه به امکانات وسیع که در اختیار دارد در کنار توسعه صنعتی خود باید به توسعه منطقه، کمک به مردم و روستاهای پیرامونی توجه بیشتری داشته باشد.
بحرانی اضافه کرد: با مکاتبه با استاندار بوشهر و ارائه گزارشی از وضعیت زندگی مردم روستای مخدان برای حل مشکلات این روستا تلاش خواهیم کرد ./ منبع:ایرنا

معاون عمرانی استاندار بوشهر:

دریا نورانی می شود

معاون عمرانی استانداری بوشهر گفت: چراغانی نمودن ساحل بوشهر آغاز شده و تاکنون دو کیلومتر پیشرفت داشته است.
شاپور رستمی در گفتگو با جنوب نیوز اظهار داشت: طی این پروژه هشت کیلومتر از ساحل بوشهر روشن خواهد شد.
به گزارش جنوب نیوز وی ادامه داد: پروژه روشنایی ساحل در مرکز شهرستان های کنگان، گناوه و دیلم نیز آغاز شده است.
معاون امور عمرانی استانداری بوشهر ابراز داشت: با بهره گیری از نور در ساحل به استفاده بیشتر از ظرفیت های استان و بالا بردن روحیه هم استانی ها گام بر می داریم.
شاپور رستمی دو هفته بعد از معارفه اش در نشست با شهرداران استان گفته بود که خاموش بودن مسیر ساحل باعث شده تا رهگذران پشت به دریا نشسته و از آرامش حاصل از امواج آن بی بهره باشند.
گفتنی است؛ ایجاد روشنایی چهره ی ساحل را بیش از پیش روشن نموده است و با زیبایی به وجود آمده از تابش نور بر موج ها لذت دل چسبی را به انسان هدیه می دهد.

هشدار نماینده بندرعباس به احمدی نژاد:

تشکیل استان جدید مجمع الجزایر خلیج فارس با جدایی بخشی از استان‌های جنوبی تنها بر هم زننده وحدت فعلی و باعث سوء استفاده برخی از بیگانگان خواهد شد

نماینده بندرعباس در مجلس از پیشنهاد تشکیل استان جدید در جنوب کشور ابراز نگرانی کرد و گفت: هرگونه تصمیمی برای جزایر و توسعه آنها در قالب نقشه فعلی هرمزگان و بوشهر امکان پذیر است و نیازی به جداسازی نمی باشد.
به گزارش سایت پایگاه اطلاع رسانی این نماینده مجلس؛ محمد آشوری با انتقاد از هزینه‌کردهای میلیاردی در قالب همایش وحدت جوانان که در جزایر هرمزگان برگزار شد، گفت: بی‌توجهی به مسائل و مشکلات مردم و صرف هزینه‌های کلان برای برگزاری همایش‌هایی که از ناحیه آن دستاوردی نیز برای جوانان کشور متصور نیست و اولویتی برای برگزاری آنها در شرایط فعلی وجود ندارد، از ناحیه هر جریان و گروهی در کشور، اقدامی مذموم است.
وی گفت: متاسفانه طی روزهای اخیر شاهد برگزاری همایشی با عنوان وحدت جوانان در جزایر هرمزگان و در بندر شهید رجایی بودیم که از ناحیه بیت المال اقداماتی را موجب شد که شائبه وجود فعالیت‌های زود هنگام انتخاباتی را تقویت کرد
عضو هیئت رئیسه مجلس طرح برخی مسائل در خصوص تشکیل استانی جدید در قالب این همایش‌ها و تلاش برای تئوریزه کردن این اقدام در آستانه انتخابات را سخنانی عجولانه و غیرکارشناسی و در راستای برخی از وعده‌های سیاسی و خلاف مصالح ملی ارزیابی کرد و گفت: هر گونه تصمیمی برای جزایر و آبادانی و توسعه آنها در قالب نقشه فعلی هرمزگان و بوشهر امکان پذیر است.
آشوری ادامه داد: کوبیدن بر طبل جدایی جزایر و یا بخشی از استان‌های جنوبی تنها بر هم زننده وحدت فعلی و عامل سرخوردگی نیروهای انسانی استان‌ها خواهد شد بلکه کانون تحولات منطقه ای را آبستن سوء استفاده برخی از بیگانگان خواهد کرد.
گفتنی است در این همایش که با حضور رییس جمهور برگزار شد، خسرو معتضد از پژوهشگران تاریخی پیشنهاد تشکیل استان مجمع الجزایر خلیج فارس را داد.
وی گفت: جزایر خلیج فارس همانند ارث پدری ما هستند و باید برای آبادسازی آنها استان مجمع الجزایر خلیج فارس تشکیل شود.
این پیشنهاد که نگرانی هایی را درباره تغییر در تقسیمات جنوب کشور پدید آورده، با واکنش ها منفی افکار عمومی در هرمزگان مواجه شده است.

حسنوند: افتتاح بیمارستان برازجان تا پایان امسال قطعی است

استاندار بوشهر گفت: بیمارستان ۱۶۰ تخت خوابی شهر برازجان که یکی از مصوبات مهم سفرهای استانی دولت در این استان است باید تا پایان سال به بهره برداری برسد.
فریدون حسنوند درجریان بازدید از این پروژه افزود: با توجه به ان که اجرا و تکمیل بیمارستان برازجان به دلایلی به تاخیر افتاده است در نشستی مقرر شد، ساختمان این بیمارستان در دوهفته آینده برای تجهیز به دانشگاه علوم پزشکی استان بوشهر تحویل شود. وی با تاکید بر این که همه امکانات باید برای تکمیل این طرح بسیج شوند، اضافه کرد: تجهیز بیمارستان برازجان باید در مدت ۱۰روز انجام شود و محوطه سازی، فضا سازی و الحاق زمین های اطراف آن برای طرح های آتی نیز باید شتاب گیرد.
حسنوند بیان کرد: در این نشست همه دستگاه های مرتبط از جمله فرمانداری، شهرداری، شورای شهر، آب، برق، گاز، راه و شهرسازی و علوم پزشکی حضور داشتند و طبق برنامه زمانی و کار شبانه روزی این طرح باید تا پیش از پایان امسال به پایان برسد.
مدیر کل راه و شهرسازی استان بوشهر گفت: تاکنون ۲۵۰ میلیارد ریال برای احداث ساختمان بیمارستان ۱۶۰تخت خوابی برازجان هزینه شده است. علیرضا صفایی بوشهری افزود: نزدیک به ۱۰۰ میلیارد ریال دیگر نیز برای تکمیل مجموعه های ساختمانی و تاسیسات آن نیاز است.
وی بیان کرد: این بیمارستان در شش بلوک دو تا پنج طبقه با زیربنای ۱۶هزار و۱۰۰ مترمربع و ۸۸/۵ درصد پیشرفت فیزیکی در دست اجرا و تکمیل است./ ایرنا

سلامی و کلامی...

دانشکده معماری و بی تفاوتی مسئولان



یونس قیصی زاده

افراشته استاندار دولت نهم در بوشهر، سرمست از حضور هیئت دولت در بوشهر ، طرح مهمی را در مصوبات این سفر گنجاند که در صورت عملیاتی شدن می توانست تحولی بزرگ در بافت قدیم بوشهر برجای گذارد و معماری بوشهر را رونقی صد چندان دهد. هنگامی که بالاخره در پرتو زحمات اساتیدی همچون دکتر حمید اسدپور و خوشحالی ریاست دانشگاه خلیج فارس بوشهر، وزیر دفاع در حضور استاندار وقت بوشهر و دیگر مسئولان کلنگ احداث دانشکده معماری دانشگاه خلیج فارس بوشهر را در محله کوتی این شهر بر زمین زد، امیدواری فوق العاده ای مردمان بافت قدیم بوشهر را فرا گرفت که بالاخره برای رونق و زنده نگه داشتن بافت تاریخی بوشهر، یک قدم اصولی برداشته شده و دانشجویان معماری این دانشگاه را نیز شوقی در سر افتاد که با راه اندازی این دانشگاه، می توانند در کنار یکی از منحصر بفردترین بافت های تاریخی خلیج فارس، رموز سحر انگیز این بافت تاریخی را کشف نموده و پرده از رازهای آن بردارند.

اما افسوس و صد افسوس که همه آن امیدواری ها پس از گذشت بیش از ۵ سال هنوز به نتیجه نرسیده است و آن دانشجویان امیدوار که شاهد بر زمین خوردن کلنگ احداث دانشکده معماری بودند، فارغ التحصیل شدند و بسیاری از مردمان نیز در از رونق افتادن بیش از پیش بافت قدیم بوشهر، از آن محلات کوچ نمودند. دانشکده ای که قرار بود مهر ۱۳۸۸ شاهد پذیرای دانشجویان با ذوق معماری باشد که با شوق قلم ها را در کشیدن پلان های معماری بافت قدیم بر کاغذ می کشند، در مهر ۱۳۹۱ هنوز شاهد کارگرانی بود که با تفنن، هر چند وقتی سیمانی بر زمین می زدند و گچی بر دیوار. دانشکده معماری تا کنون چهار استاندار را بر خود دیده است و بجز افراشته که جدیت فراوانی در تکمیل آن داشت، یکی دیگر بجای اهمیت دادن به تکمیل طرح های عمرانی از جمله دانشکده معماری، همت خود را در مبارزه با فرزندان دلسوز استان از جمله روزنامه نگاران، بکار گرفت و بعدی نیز توسعه استان را در بالا نرفتن اندک روسری دختران و هویدا نشدن دو تار موی زنان جستجو می نمود و نتیجه این شد که در سالهایی که بدلیل اعتبارات بالای نفتی، می توانستیم شاهد رونق و پیشرفت تاریخی استان بوشهر باشیم، نگاه و فعالیت استانداران معطوف به مسایل حاشیه ای و جنجال های سیاسی و حذف منتقدان گذشت.

اکنون و در سال پایانی دولت دهم، ضمن انتقاد از مسئولان دانشگاه خلیج فارس که در این مدت چیزی از پافشاری و پیگیری آنان از بابت تسریع در تکمیل دانشکده معماری رویت ننمودیم و ضمن شکایت از مسئولان راه و شهرسازی که نتوانستند تعهد خود را در تکمیل دو ساله این دانشکده، به سرانجام رسانند، از استاندار بوشهر درخواست داریم تا با نگاه ویژه به این طرح عمرانی – علمی، همت خود را در تکمیل و راه اندازی آن بکار گیرد و در رفع مشکلات اعتباری و اجرائی آن بکوشد تا حداقل در مهرماه سال ۱۳۹۲ شاهد افتتاح و حضور دانشجویان معماری در این دانشکده باشیم.

آثار باستانی دانشکده معماری و شهرسازی بوشهر؟!



محمد محبوبی



روی سخن با پروژه ای است که سالها فراموش شده است. یعنی دانشکده ی معماری و شهرسازی بوشهر. کلنگش در زمین محله ی کوتی شکست و از دانشکده خبری نشد. گرچه دانشگاه خلیج فارس بوشهر در سال ۱۳۸۳ رشته معماری را در بوشهر راه اندازی کرد و یکسال بعد دانشجو پذیرفت، اما از فضای فیزیکی مناسب و ویژه ای بدین منظور برخوردار نبود و در اجرای رشته مورد نظر با مشکلات عدیده فضا و مسایل جانبی رو به رو بود.

در این وادی، برنامه ریزی و دورنمای هدف، دانشکده معماری و شهرسازی در نظر قرار گرفت، نه رشته معماری، لذا تلاش ها و کنش ها به پشتوانه خرد جمعی کشوری و استانی، معطوف به چنین مقوله ای گردید تا سرانجام در شهریور ۱۳۸۶ در محله ی کوتی بوشهر و در دل بافت قدیم، در زمینی به مساحت ۶۴۰۰ مترمربع با مبلغ اولیه اعلام شده ی ۴۲ میلیارد ریال از اعتبارات استانی، هم زمان با هفته دولت و ماحصل مصوبات سفر اول هیئت دولت به استان، آن هم با حضور وزیر و مسئولان و استاندار وقت بوشهر، در راستای آماده سازی و تدارک زمینه های علمی و فنی توسعه منطقه، نیاز مبرم استان و به ویژه دانشگاه خلیج فارس به دانشکده ی معماری و شهرسازی، کلنگ دانشکده مذکور را وزیر دفاع وقت، به زمین زد تا ساختمان را سازمان مسکن و شهرسازی استان (اداره کل راه و شهرسازی بوشهر) بسازد و کارفرما نیز این سازمان بوده و دانشگاه خلیج فارس فقط بهره بردار باشد. از طرفی وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح نیز به عنوان وزیر معین بوشهر در هیئت دولت تعهد پیگیری را عهده دار شود.

به هر رو، در این مجموعه نباید نقش سازمان میراث فرهنگی استان را نادیده گرفت. بنابراین تیم فوق الذکر، در یک بازه ی زمانی کوتاه با عنوان مجریان طرح، اتمام اسکلت و دیوارکشی دانشکده ی معماری و شهرسازی بوشهر را به مردم خبر دادند. قرارشان بر این بود که این پروژه در یک پروسه ی دو ساله عملیاتی شود، اما به سن ۶ سالگی رسید و پا نگرفت. دانشکده ساخته نشد، اما صبغه ی تاریخی گرفته و بر آثار باستانی بافت قدیم بوشهر افزون گشت. کنش گران طرح، در آن ایام با غوغا سالاری علمی تخصصی مدعی بودند که در ساخت دانشکده در بوسته و نما، با رعایت شرایط اقلیمی و عناصر معماری بافت، نحوه ی ارتباط کارکرد مجموعه با تمامی مجموعه های اطراف را مد نظر قرار داده اند تا این دانشکده در قلب بافت؛ ضمن جدید الاحداث بودن، با زیبایی های خاص خود، هم جنس و هم شکل با بافت نمایانگر بوده بنایی بیگانه نباشد. آن ها معماری بافت را می ستودند و بر تشابهاتش با معماری برخی استان های همسایه و بعضی کشورهای همجوار می بالیدند. معذالک آن چه از معماری بافت موجود است، حق با آن هاست و حرف درست و منطقی است. اما دریغ از این همه حرف و حدیث و ادعاها و اعتباراتی دهان پر کن. در آن سال و ایام، برپایی چنین بنایی تخصصی بیش از همه بر خوشحالی مدیران و مسئولان دانشگاه خلیج فارس می افزود، که این شادمانی نیز دوام و قوامی نیافت و آن ها نیز در خواب بی خیالی و فراموشی غوطه ور گشتند.

آن روزها، اما و اگرهایی علمی و امیدوارکننده در حول و حوش احداث این دانشکده گوشها را نوازش می داد که: اجرای طرح می تواند، بافت تاریخی فرهنگی بوشهر را احیاء کرده، در مرمت و زنده سازی آن موثر افتد. به نمونه، اگر حضور اساتید و دانشجویان معماری و شهرسازی در بافت محقق گردد، ضوابط احیاء بافت و چگونگی نگهداری آن و آگاهی دادن به افکار عمومی در راستای بافت، نقش مثبتی را ایفاگر خواهند بود. نتیجه گفتار این که، معماری پایدار رقم خورده تأثیراتش بر تمامی شهر بوشهر نقش آفرینی خواهد کرد. به صدق ادعا شکی نیست، و به راستی که اگر چنین و چنان می شد، با تلاش تخصصی اساتید مجرب و دانشجویان ممتاز این رشته، معماری بومی بوشهر بر قله های رفع ملی و فراملی نماد می گشت.

البته باز هم ناامید نیستیم و نخواهیم بود، تا شاید مسئولان امروز استان بوشهر، نظری بر پروژه های بسیار مهم و ارزشمند فراموش شده ی حوزه ی عمرانی خود افکنند و وعده های ۶ سال پیش را پایان داده، چشمان انتظار را بر جمال پر وقار دانشکده معماری و شهرسازی بوشهر آن هم در بافت قدیم منور گردانند.

آن روزها، کنش گران طرح در بوق و کرنا می نواختند که صدا به زمین خوردن کلنگ دانشکده ی معماری و شهرسازی در بافت قدیم، واکنش کوچ کنندگان از محله را برانگیخته به بازگشت به محله خویشتن ترغیب کرده است و بر ارزش و قیمت زمین های محدوده ی بافت افزوده است. بیان این موارد، همگی نشان از امید و دلبستگی و آینده گری را نمایان می کرد و ما نیز بر صدق گفتار آن ها گواهیم. اما چرا و به چه دلایل دانشکده به سر منزل مقصود نرسید. پس کجایند آن مدیران پر مدعا و امروز چرا نیستند مدیران نام آشنای دلسوز و توانمند، تا دانش و علم تخصصی معماری و شهرسازی را در قالب نام و نشانی از دانشکده ی معماری بوشهر تقویت کرده به رشد و توسعه برسانند. نگارنده نیز واقفم که اگر پروژه مذکور را با این همه گرانی به اجرا برسانند، اشکالات مهندسی و شاید برخی از مبلمان شهری بوشهر و دیگر شهرستان ها، روی اصلاحات را به خود خواهند دید. لازم به ذکر است که امروز بر ریاست دانشگاه خلیج فارس، واجب عینی و ضرورت محض است تا طرح موضوع کرده توافقات مدیر ارشد استان و دیگر مدیران مرتبط با طرح را به دست آورده و پیگیر موضوع شوند.

استاندار نیز با چتر حمایتی و تأمین اعتبار لازم چرخ های متوقف شده پروژه مذکور را به حرکت درآورد. میراث فرهنگی و اداره کل راه و شهرسازی استان بوشهر به عنوان کارفرما، در اتمام پروژه کوشش کند. همچنین حضور توده مردم کم توقع و قانع، بزرگان و اندیشمندان و دانشگاهیان بوشهر، در حمایت از پروژه فوق الذکر با درخواست های مکرر از مسئولین ذیربط به احیاء طرح ارزشمند دانشکده معماری و شهرسازی بوشهر کمک شایان توجهی خواهد کرد.

گرچه در سال ۸۶ مبلغ احداث اجرای طرح اولیه ۴۲ میلیارد ریال و بعد از تجدید نظر در نقشه و تغییرات و اضافات و تجهیزات در نظر گرفته متناسب با بافت قدیم در امور دانشکده جهت تکمیل نیز ۴۲ میلیارد ریال منظور نظر بود و تأمین، تخصیص و جذب نگردید تا امروز و در سال ۹۲ هر دو مبلغ و شاید اضافاتی بر آن ها تکمیل دانشکده را با مشکل مواجه سازد، اما ضرورت و نیاز، حکم می کند تا مدیران مربوطه در تأمین اعتبارات لازم و جدید از هیچ کوششی دریغ نفرمایند و چراغ دانشکده ی معماری و شهرسازی را در بافت قدیم روشن کنند. به امید آن که احداث و تکمیل این پروژه عیدی بزرگی در سال ۹۲ به مردم استان اهداء گردد.

یادآوری:مرداد ۱۳۹۱

استاندار بوشهر: دانشکده معماری بوشهر دردهه فجر به بهره برداری می رسد

جهانبخش افزود: دانشکده هنر و معماری بوشهر از سال ۸۵ در دولت نهم عملیات اجرایی آن آغاز شده و در دهه فجر امسال به بهره برداری می رسد.



نگاه

انصاف در نقد

عادل شجاعی



گاهی پرسیده می‌شود که چرا منتقدان در کنار نقدها و ضعف‌ها، به نقاط قوت نمی‌پردازند و از افراد مختلف به سبب توفیقاتشان در سیاست، اجتماع و... تمجید نمی‌کنند. سعی می‌کنم در این نوشته، به پاسخ این پرسش و برخی پرسش‌های مشابه، بپردازم:

اوّل: باید به این نکته مهم توجه کنیم که آیا نقد منصفانه بوده یا خیر. اگر نقد منصفانه باشد، که خودکار این نقد در دایره‌ی انصاف و اخلاق است و قصوری پیش نیامده که با تعریف و تمجید و یا با عذرخواهی بخواهیم برطرفش کنیم.

دوّم: در شرایطی که غالب دستگاه‌های تبلیغاتی با بودجه بیت‌المالی که از آن همه‌ی مردم ایران است، بیشتر توجّه خود را معطوف تبلیغات می‌کنند، چه ضرورتی دارد تا منتقدان وقتشان را صرف این کارها کنند. همین‌که با عمل نیک، منصفانه مسائل کشور را نقد کنند، خود کفایت می‌کند.

سوّم: نقد حاکمیت و یا دولت، الزاماً بدین معنا نیست که منتقدان عمل‌کرد سایر دولت‌ها در زمینه‌های مختلف را تایید می‌کنند. منتقدان دل‌سوز، به دنبال رفع کاستی‌ها و بهبود اوضاع کشور هستند. چه بسا که بسیاری از منتقدان، نسبت به عمل‌کرد دولت‌های خارجی در قبال شهروندانشان، محیط زیست و سایر کشورها معترض هستند امّا بررسی، واکاوی و تلاش برای اصلاح مسائل درون کشور را در اولویت خود قرار داده‌اند.

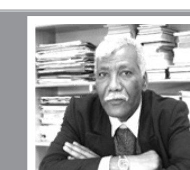
چهارم: باید بین منتقد، مخالف و معاند تمایز قائل شد. بدخواهان و قدرت‌طلبان همیشه با استدلالات مغالطه‌آمیز، منتقدان را معاند و... جلوه می‌دهند و با بی‌انصافی، نقدهای دلسوزانه را "سیاه‌نمایی" می‌نمایانند تا بتوانند از هرگونه نقدی جلوگیری کنند.

پنجم: اگر معتقدیم که در جایی بی‌انصافی و بی‌اخلاقی صورت گرفته، راه‌کار و شیوه‌ی برخورد با آن، بی‌انصافی و بی‌اخلاقی نیست. چرا که در این صورت، تفاوتی (جز تقدّم و تاخّر) بین دو نفر وجود نخواهد داشت و هر دو مرتکب بی‌انصافی شده‌اند.

ششم: بسیاری از دین‌پژوهان معتقدند که یکی از اصول اخلاقی که بین ادیان و مذاهب مختلف مشترک است، این است که: با دیگران چنان رفتار کن که دوست داری با تو رفتار کنند.

غمِ غریبِ غربتِ ما، در دیار خویش

مُهنا و محسن، ترس مشترک مسئولان فرهنگی استان بوشهر



خورشید فقیه: فکر می کنم که در دنیا، ما جزء معدود مردمی هستیم که پیوسته از ترس آسیب رسیدن به نحوه ی تفکر و برداشتمان از یک موضوع و یا پدیده ی خاصی، می کوشیم تا با هر وسیله ی ممکن و میسور، مانع از اشاعه و طرح دیدگاه ها ی دیگری شویم که با نظرات ما همسویی ندارند. و خطرناکتر اینکه اگر این عادت مالوف ، بنوعی با مناصب اداری و یا موقعیت های اجتماعی برتر ما نیز ارتباطی داشته باشد.

متاسفانه این خصیصه ی نامیمون اجتماعی، در شهر و دیار ما، بعضا آنچنان نمودهای برجسته ای می یابد که به علت تاثیرات مخربش بر مجموعه ی حیات فردی و اجتماعی ما، نمیتوان از کنارش به سادگی گذشت. البته برای ارائه ی سند و مدرک، نمونه های زیادی در دست است ، اما اجازه دهید تا در این نوشتار فقط به دونمونه ی اخیر آن که مربوط میشود به دو گروه از هنرمندان بوشهری ، اشاره ی کوتاهی نمایم: یکی، مربوط است به قضایایی که از مدت ها پیش، گروه موسیقی محلی "لیان" به سرپرستی هنرمند گرانمایه محسن شریفیان را با آن در گیر نموده اند. و دیگری بر خورد توام با ترس و لرزی است که برخی مسئولان مراکز فرهنگی استان با گروه تاتری "خاک" و درارتباط با نمایشنامه ای تحت عنوان " تعزیه اشباح بر دریای پارس" به کارگردانی هنرمند برجسته حیدر مظفری نموده اند.

میدانیم که اخیرا و در ادامه ی جشنواره های هنری مرتبط با دهه ی فجر انقلاب اسلامی، هنرمندان عزیز بوشهری، با گذر از پیچ و خم ها و بن بست های بازدارنده ی همان خصیصه ی خبیثه ای که در بالا به آن اشاره نمودم، بسیار خوش درخشیدند و افتخار آفریدند، از موفقیت های گرامیان رامتین مرادی بالف و احسان عبدی پور در زمینه ی سینما، و حیدر مظفری و یارانش در صحنه ی تاتر گرفته تا محسن شریفیان با نوای دل انگیز ساز و کارش در عالم موسیقی. نکته ی مهم اما اینکه در شهر خود، با آنان چه کرده و می کنند :

محسن شریفیان و گروه لیان، مدت هاست که از اجرای مستقیم و زنده ی موسیقی در بوشهر، محروم و ممنوع هستند! یعنی در شهری که هنر شریفیان، ریشه در خاکش دارد و زائیده و ملهم از تاریخ و فرهنگ موسیقایی آن است و حداقل در شب های جمعه میتوان آوای دلنشین سازهای محلی و سروده های دیر پای آن را در هر کوچه و برزنی و به مناسبت های شادی بخش شنید، این هنرمند اجازه ندارد تا در یک سالن عمومی و در میان جمع صمیمی همشهریانش، به اجرای موسیقی بپردازد! چرا؟!

در پاسخ اگر به این استدلال برخی از ممنوع کنندگان قدر قدرت شهر استناد کنیم که موسیقی شریفیان و گروهش بر جسم و جان مخاطبینش اثر سوء می گذارد، باید از آنان پرسید که چرا همتی بخرج نمیدهند تا با تئوریزه کردن این کشفیات و یافته های علمی خود و انتشار و ارائه ی آن به دیگر نقاط مملکت بویژه برگزار کنندگان جشنواره فجر، دیگر مردمان ایران را مشمول این لطف و عنایات انسانی



شان قراردهند و فقط برای مردم بوشهر پارتی بازی نکنند!؟ واگر هم این رفتارهای بازدارنده را بر اساس میل و سلیقه های شخصی خودشان اعمال می نمایند نیز راستی حسینی



انتظاری که جامعه ی هنری بوشهر و حتا اهالی این شهر از مسئولان فرهنگی و بخصوص اداره کل فرهنگ و هنر استانشان دارند این است که در مقابل غوغاسالاران بی هنری که اغلب مطامع و مصالح سیاسی و جناحی خود را دنبال می نمایند، از خود استقلال و مقاومت بیشتری نشان دهند

با مردم در میان بگذارند تا آنان بدانند که بجای زندگی کردن در یک کشور ضابطه مند ویکپارچه، دارند در یک شهر صد کلانتری بنام بوشهر به حیات خود ادامه میدهند!!

و اما آنچه دست اندرکاران نمایشنامه "تعزیه اشباح بر دریای پارس"، مربوط به گروه تاتری بندر نشینان گناوه ای را دل آزرده ساخته، نوع دیگری از همان رفتارها و تفکرات سئوال بر انگیز حاکم بر شهر ماست. با این تفاوت که اگر حضرات بزرگان، با ابراز حساسیت نسبت به نی انبان و یا نوازندگان آن، سر ناسازگاری را با گروه لیان سازکرده اند، در این خصوص ولی نوعی ابراز وحشت از نام "میر مهنای" بندر ریگی است که زندگانی و مبارزات آن، موضوع این نمایشنامه است. وحشت از آنچه نکند از یک سو پندارها و برداشت هایشان از یک واقعه ی تاریخی را به زیر سئوال ببرد و عناوین پُر طمطراقشان خدای ناکرده مخدوش و بی اعتبار گردد، و از سوی دیگر، میز و منصبشان را که این روزها به دوسطر نوشته ی آقای استاندار بند است، یک شبه از دست بدهند.

میدانیم که نمایشنامه "تعزیه اشباح بر دریای پارس"، روایتی تاتری از یک رخداد تاریخی ۲۵۰ سال پیش اهالی بندر ریگ و توابع به سر کردگی شخصیتی بنام میرمهنا میباشد که در یک مبارزه ۱۵ ساله و خونین و پُر ماجرا، موفق به اخراج دائمی استعمارگران هلندی از سرتاسر خلیج فارس میشوند. گویا در این ماجرا، پدر، مادر و دو برادر میرمهنا که در جبهه ی مخالف بوده اند به قتل میرسند. همین موضوع اخیر الذکر، باعث ایجاد اختلاف نظرهایی میان تحلیلگران تاریخی داخلی و خارجی اوشده است. گروهی بر برجستگی عمل او در اخراج یکی از خطرناکترین استعمارگران آن روز زمان یعنی کشور هلند، تاکید نموده و جنبه های غیر اخلاقی پدر کشی او را بدین طریق توجیه می کنند، و جمعی دیگر با درشت نمایی عمل غیر اخلاقی پدر کشی، بگونه ای مستقیم و غیر مستقیم و دانسته یا ندانسته، با انکار ضد استعماری و بیگانه ستیزی عمل میرمهنا و اهالی بندر ریگ، منکر استعمارگری هلندی های مسلط بر بخش های حساسی از ایران میشوند.

به هر حال، من بخاطر حساسیتی که نسبت به موضوع این نمایشنامه دارم، دو بار به تماشای این تاتر نشستم. تا جایی که من متوجه شدم، نویسنده و کارگردان، بر خلاف آن خصوصیاتی که در مقدمه ی این نوشتار به آن اشاره گردید، با دیدی بی طرفانه، منصفانه و با پرداختی هنرمندانه، ضمن به نمایش گذاشتن هر دو نظریه، قضاوت نهایی را بر عهده تماشاگران که مخاطبین اصلی آنان بشمار میروند گذاشته اند که این یکی از محسنات کار آنها به حساب می آید .

اما با این وجود، مسئولان اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی، با نظر خواهی از تحلیلگرانی که در گروه دوم قرار می گیرند و با این بهانه که تحت فشار آنان قرار دارند، متاسفانه آنگونه که باید، همکاری لازم را با این گروه مبذول نداشته و حتا ایجاد محدودیت هایی را نیز باعث شده اند. البته من در اینجا و به نوبه ی خود ، از همین مقدار همکاری اداره ی ارشاد نیز سپاسگزاری میکنم که حداقل با اینان آن نکرد که با گروه موسیقی لیان می کند.

به هر حال ، انتظاری که جامعه ی هنری بوشهر و حتا اهالی این شهر از مسئولان فرهنگی و بخصوص اداره کل فرهنگ و هنر استانشان دارند این است که اولا بر خلاف آن فشارهایی که بعضا مدعی وارد شدنشان بر خود هستند، با قضایای هنری و اصولا مقوله ی هنر، با یک دید و نظر کارشناسانه بر خورد نمایند، و ثانیا در مقابل غوغاسالاران بی هنری که اغلب مطامع و مصالح سیاسی و جناحی خود را دنبال می نمایند، از خود استقلال و مقاومت بیشتری نشان دهند.

دغدغه امروز کارگران منطقه عسلویه؟!



ابوالحسن گنخکی

کارگران شاغل در صنایع نفتی منطقه عسلویه در آخرین روزهای سال فشارهای اقتصادی مضاعفی را تحمل می کنند. نرخ تورم و آشفتگی بازار به بالاترین سطح خود رسیده و در این میان آسیب پذیرترین قشر جامعه نیز کارگران هستند. علاوه بر آن، نگرانی نسبت به تغییرات حقوق و دستمزدها در سال آتی به دغدغه اصلی کارگران تبدیل شده است و کارگران شاغل در عسلویه نیز با توجه به آسیب های موجود در منطقه حساسیت بیشتری نسبت به این موضوع دارند و مباحث مطروحه را با نگرانی دنبال می کنند.

هر چند برای پرداخت به موقع حقوق، عیدی و سنوات در انتهای سال تلاش زیادی توسط مسوولان نفتی صورت می گیرد اما با توجه به نرخ بالای تورم و آسیب های وارده به این قشر، میزان حقوق و دستمزد پرداختی به آنان ناکافی است و کارگران پیش از آنکه نگران پرداخت حقوق و عیدی خود باشند دغدغه تصمیمات مسوولان درباره تغییرات نرخ حقوق را دارند.



میزان فوق العاده پرداختی به کارگران شاغل در منطقه پارس جنوبی با توجه به ضریب بالای آسیب های اجتماعی از جمله مواد مخدر و اعتیاد و نیز آلودگی های زیست محیطی و عبور میزان آلودگی هوا از همه استانداردها و خطوط قرمز بسیار ناچیز است. بدیهی است وقتی فردی به دلیل شرایط کاری به صورت درازمدت و شاید مادام العمر تحت تأثیر این گونه آسیب ها قرار میگیرد، نظام تأمین اجتماعی و حمایت های شغلی کارفرما نیز باید متناسب با این آسیب ها ارتقا یابد.

هر چند مجموعه نفت با برقراری و اعمال فوق العاده پرداختی در حقوق و دستمزد کارگران سعی در جبران این آسیب ها دارد اما واقعیت آن است که این حمایت ها با آسیب ها چندان متناسب نیستند و خیل عظیمی از کارگران از وضعیت حقوق و دستمزد خود رضایت نسبی ندارند. این را نیز نباید فراموش کرد که وضعیت حقوق و دستمزد و حمایت های مجموعه نفت نسبت به پرسنل رسمی و پیمانکاری شاغل در آن صنعت بسیار متفاوت است. هر چند پرسنل رسمی شرکت های نفتی مستقر در عسلویه از نظر حقوق و امکانات رفاهی تقریباً از وضعیت مطلوبی برخوردارند.

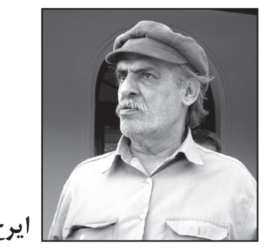
در این میان آسیب اصلی به قشر کارگر و شاغلین پیمانکاری که فاقد حمایت ها و تضمین های شغلی هستند وارد می شود. حتا تغییر بازه کاری پرسنل شاغل در عسلویه موسوم به طرح دو به دو به معنی دو هفته کار دو هفته استراحت هنوز در برخی شرکت های مستقر در منطقه پارس جنوبی برای شاغلین پیمانکاری به صورت کامل اجرایی نشده و کماکان مدت زمان حضور پرسنل غیر رسمی در محل کار و منطقه بیش از مدت زمان تعیین شده است. بنا بر آنچه بیان شد قشر کارگر که جمعیت غالب نیروی کار شاغل در صنعت نفت را تشکیل می دهند نیازمند اعمال نگاه مثبت تری نسبت به وضعیت حقوق و معیشت خود هستند.

با توجه به نقش و سهم کارگران شاغل در بخش های مختلف پروژه ملی بهره برداری از میدان گازی پارس جنوبی در زمینه ارتقای تولید ناخالص ملی و تأمین گاز مورد نیاز بخش های مختلف کشور در شرایط طاقت فرسای زیست محیطی، این قشر زحمتکش نیازمند حمایت جدی تر مسوولان هستند. حمایتی که در امکانات رفاهی و معیشتی و حقوق و دستمزد کارگران به خوبی هویدا شود.

۴
ادب و هنر
شماره ۶۹۲ - یک شنبه ۶ اسفند ۱۳۹۱
NASIM JANOUB

هنرمندان بوشهر؛ دست‌های خالی، اندیشه‌های لبریز...!

«در حاشیه افتخارآفرینی هنرمندان بوشهری در جشنواره‌ی بین‌المللی فجر»



ایرج صغیری

برای هر دلسوز هنر و فرهنگی در میهن ما این سؤال پیش آمده که «چرا کشور ما با این فرهنگ ژرف و نیرومندی که همیشه در تاریخ خود آن را حفظ کرده – مثل شعر – در بعضی از انواع هنری به ویژه هنرهای مدرن مانند تئاتر و سینما جز در مواردی نادر و پراکنده خودی نشان نداده است»؟! بی‌گمان برای این نقیصه، انگیزه‌های چندگونه و گوناگونی وجود دارد. قصدم تحلیل این انگیزه‌ها نیست. نه جامعه‌شناسم و نه روان‌شناس اجتماعی که وارد همه‌ی این مقولات شوم. اما در یک مورد بسیار مهم و اساسی، لازم می‌بینم چند جمله درددل کنم و آن بی‌اعتنایی لجوجانه‌ای‌ست که برخی اصحاب فرهنگ و هنر نسبت به تمامی این مملکت به خرج می‌دهند؛ به این شرح که این عده انگار دیواری به دور مرکز کشیده‌اند و فقط و فقط ساکنین پایتخت را مجاز به خلق و ایجاد این گونه آثار هنری می‌دانند و دیگرانِ خارج از این دیوار به حساب نمی‌آیند. چه



مایه تأسف باید خورد بر این تفکر نادرست که در حقیقت بخش عظیم نیروی انسانی شهرها و روستاهای خود را نمی‌بیند و یا به قول عوام داخل آدم حساب نمی‌کنند، غافل از این که ایرانِ بزرگ بیش از یک میلیون کیلومتر مربع وسعت دارد و جمعیت پایتخت دست بالا که بگیریم، ده دوازده میلیون بیشتر نیست و حالا اگر جمعیت کشورمان را باز هم دست کم هفتاد میلیون نفوس حساب کنیم، این عمل، غفلت کردن از پنجاه و هشت میلیون نفر است!

بدبختانه این تفکر در زمینه‌های غیر هنری هم مصداق دارد، در حالی که با اطمینانی که زاییده‌ی تجربه و مشاهده‌ی مستقیم اینجانب است، هر آینه امکان کوچکی – به تصادف و یا مشقت و مرارت – برای کسی در شهرستان‌ها و یا روستاهای مملکت پیش آمده، همین‌ها که شهرستانی می‌خوانندشان و یا روستاییان با تمام حرمان‌هایشان خوش درخشیده‌اند و به مثابه طلیعه‌ی یک نبوغ، به فرزانگان و عاشقان هنر ایرانی امید بخشیده‌اند.

این نکته را هم ناگفته نگذاریم که ابزار مدرن روزگار ما به ضرورت سیاسی و اجتماعی اگر نه همه بل بخش مهمی از این ابزار (چه فرهنگی و چه صنعتی) در تهران دپو شده است. این روند تا آن جا پیش رفته که برای عرضه‌دارها، هنرمندان و تلاش‌گران سایر شهرستان‌ها و روستاها راهی جز مهاجرت به تهران نمانده است. ملاحظه کنید چه تعداد هنرمند سینما و تئاتر فقط اهل شیراز در حال حاضر مرکزنشین شده‌اند؛ کسانی که فقط من می‌شناسم مانند محمود پاک‌نیت، شجاع نوری، امین تارخ، زنده‌یاد اسماعیل‌خانی و همسر گرامی‌اش گوهر خیراندیش، زنده‌یاد افشاریان، پورشیرازی، دهقان‌نسب، فقیه و... و... و با پوزش از انبوه کسانی که نام‌شان نیامده! هنرمندان فوق هم‌اینک در تهران با درخشش خود در آثاری که کار کرده‌اند نام‌های نیک بجا نهاده و با هنر خویش در اذهان هموطنان جای گرفته‌اند. همین داستان در باقی ولایات و استان‌ها مصداق دارد. اینان از دسته هنرمندانی هستند که برایشان مقدور گشته خود را به مرکز برسانند و بی‌گمان هستند هنرمندان بیشتری که به دلایل گوناگون نتوانسته یا نخواسته‌اند در پایتخت سکنی گزینند.

و اما دلیل نوشتن این چند خط، اتفاقی است که در جشنواره‌ی بین‌المللی فجر رخ داده؛ دو فیلم، یکی سینمایی به نام «تنهای تنهای تنها» کار کارگردان مستعد بوشهری احسان عبدی‌پور و دیگری فیلم مستند «رودخانه‌های لیان» باز کار کارگردان جوان بوشهری رامتین مرادی‌بالف بود که هر دو خوش درخشیدند که در نهایت فیلم «رودخانه‌های لیان» به عنوان بهترین فیلم مستند برگزیده شد.

آن چه که تأسف‌برانگیز آمده، احساسی است که متعاقب مصاحبه‌ی یکی از داوران محترم جشنواره دست داده است؛ خبرنگاری از ایشان (داور محترم) معیارها و کیفیت انتخاب وی و سایر داوران همکار ایشان را جویا شده. داور محترم در پاسخ خود می‌فرماید: «بعضی‌ها می‌روند و یک مرکز صدا و سیمایی در شهرستانی گیر آورده، یک سرمایه‌ای هم می‌گیرند و بدون هیچ زحمت و مرارتی بی‌آن‌که دنبال تهیه کننده بدوند و در تدارکات خود زحمتی بکشند، فیلمی می‌سازند و این فرق دارد با آن کارگردانی که خون جگر می‌خورد و به این در و آن در می‌زند تا با مشقت و سختی فیلمش را تمام کند»!! (البته این نقل به معنی است).

اما کارگردان جوان شهرستانی که به پشتوانه‌ی لیاقت و توانمندی خود صدا و سیمای مرکزِ بوشهر را متقاعد ساخته که عُرضه‌ی این کار را داشته و تصادفاً برادری لایق و خُبره در امر



تهیه کنندگی به نام ادریس عبدی‌پور دارد که امور تهیه فیلم را به برادرش واگذار کرده و باز هم تصادفاً مدیر فیلمبرداری ماهری به نام نیکذات به کمکش آمده، پس از شنیدن این اظهار نظر عجیب از داور محترم چه احساسی به او دست می‌دهد؟! آیا این اظهار نظر حاصلی جز یأس و سرخوردگی خواهد داشت؟! هنرمند بوشهری پیش خود می‌اندیشد پس تکلیف هنر و خلاقیت و محتوا و قالب فیلم چه می‌شود؟ این اظهار نظر اگر فقط یک نمونه بود، با همه‌ی اشکال و ایرادش روی چشم جا داشت، اما بدبختانه این تفکر غالبی است که در مرکز و نزد برخی متولیان فرهنگی و اهل هنر حاکم است! همان طور که پیش‌تر هم آمد، چکیده‌ی معنی این سخن این است که «شهرستان مساوی‌ست با کشک»!! در حالی که بیش از هر کسی، اینجانب می‌دانم که آقای احسان عبدی‌پور بخش اعظم کار خویش را در مردادماه بوشهر زیر شلاق آفتاب به انجام رسانیده و ماحصل این تلاش صادقانه، تحسین تماشاچی و منتقد بوده که این فیلم را اگر نه بهترین، بلکه در ردیف بهترین فیلم ایرانی جشنواره آورده و از جمله‌ی پنج فیلم نامزد بهترین فیلم بوده است. این اثر و مستند «رودخانه‌های لیان» – برنده سیمرغ بهترین فیلم – نمونه‌ی منحصر بفردی نیست که جوانان بوشهری با دست‌های نه چندان پُر خود خلق می‌کنند. یادمان باشد باز جوانان دیگری در قالب گروه موسیقی محلی «لیان» با مدیریت محسن شریفیان در همین جشنواره



شیرین کاشته و فرهنگ غنی بوشهر را به رخ کشیده‌اند.

هم‌اینک مرد مستندساز دیگری در بوشهر فعال است که بی‌گمان آثارش در ایران نمونه و در دنیا همردیف مستندسازان معروف و بزرگ می‌باشد؛ سیدحسین صافی را می‌گویم. برادر همین سیدحسین، یعنی سیدرضا صافی هم از بوشهر آغاز کرده است. نباید اسم داریوش غریب‌زاده سازنده‌ی فیلم‌های کوتاه و برنده‌ی سیمرغ بلورین همین جشنواره را فراموش کرد. در همین شهر به جز این افراد، بسیار کارگردان‌ها و هنرمندان خلاق و مستعد دیگری هم وجود دارند. محمد مظفری هر بار که تئاتری به جشنواره‌ی فجر آورده، بهترین‌ها را کسب کرده است و با نمایش‌های خیابانی «شلوار جین» و «چادر کرپ» خوش درخشیده است. همین دو ماه پیش یکی از آثار همین کارگردان در سمینار بسیج، متن و اجرای برتر را کسب کرد به عنوان بهترین اثر برگزیده شد و بازیگرانش فرانک بلورزاده و رضا زیتونی حائز مقام‌های برتر بازیگری شدند.

کارگردانانی که در رشته‌ی تئاتر فعالند و آثار آنان به وضوح رشد و بالندگی را نشان می‌دهد نیز کم نیستند؛ از جمله حیدر مظفری که اجرای نمایش او «تعزیه اشباح بر دریای پارس» در جشنواره‌ی فجر مورد استقبال واقع شد را می‌توان نام برد. همچنین جواد صداقت، حسن رضایی و عده‌ای دیگر از کارگردانان جوان بوشهر از همین زمره‌اند. در این جا باید به بازیگران بوشهری نیز اشاره کرد که در صحنه‌های متفاوت و عرصه‌های بزرگ (حتا بین‌المللی) حرفی برای گفتن داشته‌اند. ختم کلام آن که منابع دست نخورده و توانمند میهن‌مان را از یاد نبریم.

جهانشیر یاراحمدی، بازیگر نمایش «تعزیه اشباح بر دریای پارس»:

روایت هنری روزگار میرمهنا در مجتمع فرهنگی بوشهر

– آقای جهانشیر یاراحمدی، شاهد اجرای نمایش «تعزیه اشباح بر دریای پارس» در بوشهر هستیم، لطفا به طور خلاصه درباره موضوع این نمایش توضیح دهید.

– این نمایش زندگی و روزگار میرمهنای بندرریگی را روایت می کند. قصه ای تاریخی مربوط به دوره زندیه که در نواحی شمالی استان و جزیره خارگ رخ می دهد.

– این نمایش چگونه به جشنواره بین المللی تئاتر فجر راه یافت؟

– ابتدا متن این اثر مورد تاید دبیرخانه تئاتر فجر قرار گرفت. در مدت زمان اندکی چارچوب کار بسته شد و از طریق فیلم مورد بازبینی قرار گرفت و خوشبختانه مورد پذیرش هیئت بازبین جشنواره قرار گرفت و به عنوان یکی از بیست و هفت نمایش بخش مسابقه تئاتر ایران انتخاب شد و طلسم عدم حضور بوشهر در این جشنواره بعد از چند سال شکسته شد.

– استقبال از آن در تهران چگونه بود؟

– در تهران دو اجرا در تالار سنگلج انجام دادیم که هر دو اجرا از نظر استقبال خوب بود. علاوه بر مخاطبین عام، عده ای از پیشکسوتان و بزرگان تئاتر ایران و همچنین نمایندگان چند کشور خارجی نیز از نمایش دیدن کردند.

– در بوشهر چرا این تئاتر در سالن اصلی مجتمع فرهنگی اجرا نشد؟

– کارگردانی نمایش به گونه ای طراحی شده که به درد سالن قاب صحنه ای (مثل سالن اصلی مجتمع) نمی خورد؛ بنابراین انتخاب پلاتو استاد صغیری برای اجرا به انتخاب کارگردان بوده است.



– چرا شاهد تبلیغات ضعیفی برای اجرای این نمایش هستیم؟

– تبلیغات وسیع هزینه می خواهد که متاسفانه تئاتر ندارد. در حد وسعمان تبلیغات کرده ایم. انجمن هنرهای نمایشی بوشهر و حوزه هنری از طریق سامانه پیامکی اشان تلاش کردند که همین جا از آن ها تشکر می کنم، قراراست در روزهای آتی هم موسسه فرهنگی ورزشی شهرداری در این مورد همکاری کند و نکته مهم البته حضور کمرنگ خبرنگاران و نشریات استان در این حوزه است که دلیلش را نمیدانم. ناگفته نماند صدا و سیما در اطلاع رسانی اجرای این نمایش پیشگام است که صمیمانه از آن ها سپاسگزارم.

– گویا سخت گیری هایی از سوی اداره ارشاد در خصوص اجرای عمومی این نمایش در بوشهر صورت گرفته است؟

– در مورد ارشاد و شکل برخوردش با این نمایش که در برجسته ترین جشنواره تئاتری وزارت ارشاد اجرا شده و مهم تر از آن بحث مدیریت تئاتر و حمایت آن در سطح استان بحث مفصلی دارم که به زودی با خبرنگاران در میان خواهم گذاشت.

– مثل اینکه مسئله میرمهنا هم محل اختلاف بوده است؟

– مسئله میرمهنا مثل اغلب مباحث تاریخی در میان صاحب نظران محل اختلاف است. شخصا این مسئله را از دو بعد مطالعه کرده ام. اول مورخان (چه گذشتگان و چه معاصران) و دوم اهل ادبیات و هنر. این دو نگاه کاملا متفاوت است و من نگاه گروه دوم را بیشتر می پسندم چون تحلیل منطقی تری در آن می بینم. اما واقعیت آن است که تاریخ از عهده میرمهنا بر نیامده است و بر ما و نسل ما واجب است که حوادث مهم تاریخی این دیار را کنکاش کنیم، مهم تر آن را تحلیل کنیم و با زبان هنر برای مردم بازگو کنیم. همانگونه که نمایش تعزیه اشباح بر دریای پارس می کند. بنابراین اختلاف بر سر قصه و روایتی که مربوط به دویست و هفتاد سال پیش، اگر هم هست در میان نخبگان است و نه عوام . حرف آخر این که مهم ترین دلیل انتخاب این اثر در جشنواره فجر توجه به یک موضوع بومی و بیگانه ستیزی میرمهنا و حفاظت از خلیج فارس بوده است.

غلام زاده نویسنده کتاب «معماری بوشهر در دوره زند و قاجار»:

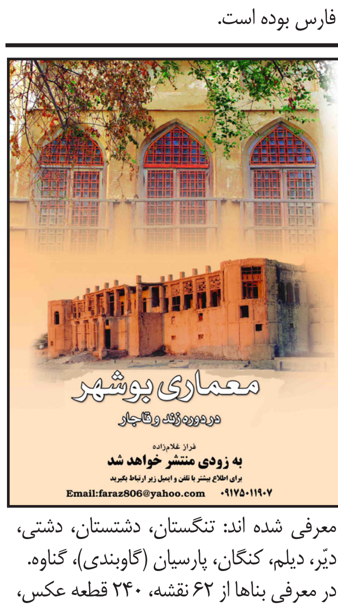
تلاشی برای بازشناسی و احیای میراث شکوهمند معماری در خطه جنوبی کشور

فراز غلام زاده نویسنده کتاب «معماری بوشهر در دوره زند و قاجار» خبر از چاپ این کتاب داد. وی در مصاحبه با نسیم جنوب این باره افزود: بندر بوشهر در دوره قاجار مهمترین بندر ایران و دروازه جنوبی کشور برای مبادلات تجاری و مناسبات سیاسی و تعاملات فرهنگی بود. اکثر دولتهای بزرگ دنیا در بوشهر دفتر نمایندگی داشتند و تجار بزرگ در آنجا فعالیت تجاری میکردند. از این رو در دوره زند و قاجار، همپای رشد اقتصادی و سیاسی، معماری بوشهر نیز شکوفا شد و بناهای شکوهمندی با کاربریهای سیاسی، اداری، تجاری، خدماتی، مذهبی، فرهنگی و مسکونی همچون تجارتخانه ها و ساختمانهای مسکونی تجار ثروتمند، کنسولگریهای دولتهای بیگانه، کلیساها و کنیسه ها سربرآوردند.

این نویسنده که برای تهیه مطالب و عکس های این کتاب چهارده سال پژوهش نموده است افزود: بسیاری از این عمارت¬ها امروز وجود ندارند، برخی نیمه ویرانند و معدودی تا به امروز مانده اند.

غلام زاده درباره محتوای این کتاب گفت: کتاب «معماری بوشهر در دوره زند و قاجار» تلاشی است برای بازشناسی و احیای این میراث شکوهمند معماری در خطه جنوبی کشور. در این کتاب مصور و رنگی که برآیند پژوهشی چهارده ساله است، ۱۷۰ بنای شاخص از دوره¬های زندیه و قاجاریه در دو بخش اصلی معرفی شده اند. در بخش نخست، خانه ها و عمارتهای «شهر» بوشهر معرفی شده اند که ۱۰۱ ساختمان را شامل میشود و بخش دوم مشتمل بر بناهای «شهرستانهای» بوشهر است که ۶۹ بنا را دربر میگیرد و قلعه های تاریخی هستند.

وی افزود: تنظیم مطالب در بخش نخست براساس محله های «شهر» بوشهر و به این ترتیب است: محله–های بهبهانی، دهدشتی، شنبدی، کوتی، سنگی، جفره علیباش، لیل بحرینی، باغ شیخ ابول، باغ ملا، دره بیرمی، بهمنی، رایانی (رونی)، مخبلند، بن مانع، جفره ماهینی. در بخش دوم قلعه های تاریخیِ «شهرستان–های» بوشهر به این ترتیب معرفی شده اند: تنگستان، دشتستان، دشتی، دیّر، دیلم، کنگان، پارسیان (گاوبندی)، گناوه. در معرفی بناها از ۶۲ نقشه، ۲۴۰ قطعه عکس، ۱۵ تصویر سه بعدی و مصاحبه با صد نفر از صاحبان بناها و بازماندگان ایشان و مطلعان محلی استفاده شد است.



صدها دوشنبه با دوشنبه های ادبی نسیم جنوب

نقد کتاب "در کابوس سیب فرو می روم " از فرح راورد شیری در دوشنبه های ادبی این هفته

بعدازظهر دوشنبه هر هفته در دفتر نسیم جنوب

موج ناب و چگونگی شکل گیری آن در دوشنبه های ادبی نسیم جنوب

در جلسه ی هفته گذشته دوشنبه های ادبی نسیم جنوب، ضمن صحبت های استاد آرش نیا در خصوص ویژگی های شعر امروز به موج ناب و چگونگی شکل گیری آن پرداخته شد .

مینا درعلی به این موضوع اشاره کرد که موج ناب به عنوان یک ضرورت پدید آمد و ابزار دست شاعرانی شد که در گیر و دار مسایل سیاسی بتوانند تفکر خود را بیان نمایند .

در این موج عوامل بسیاری موثر بودند از جمله جریان های ادبی جنوب و حضور منوچهر آتشی در مجله تماشا و حمید کریمپور ، افت و خیز های سیاسی آن دوران و آرمان گرایی عده ای از شاعران که توانستند یک موج اعتراضی را بوجود آورند. این اعتراض به حوزه ی نقد هم کشیده شد به خصوص میان منتقدین و بیشتر رویکرد منتقدین را به سمت نقد اعتقادی کشاند تا انتقادی و بیشتر نقد های شعری آن دوران به تحلیل صاحب اثر می پرداختند تا آنالیز خود اثر!

این رویکرد شعری به گفته ی سیامک برازجانی در حد یک موج آمد و ماندگار نشد و حتی ما شاهد بیانیه ای هم از این موج گرایی نبودیم .

علی رضا آب روشن گفت که شاعرانگی این نحله ی شعری بیشتر از حجم گراها بود و گفت همانطور که هرمز علیپور آنرا یک شوریدگی ناخودآگاه نامید، می توان گفت که تغزل، ایجاز و باز معناهای طبیعت گرایی متفاوت در شعر ها باعث رشد زبانی این موج شد.

در ادامه ، بحث به سید علی صالحی بنیانگذار این موج کشیده شد و اینکه صالحی با توجه به همرنگ شدن زبان و ذهنیات مشترک موج نوی ها از این جریان فاصله گرفت و سعی در استقلال زبانی خود کرد .

همچنان بحث زیبایی شناختی و روانشناختی و جامعه شناختی شعرهای ماحصل این موج مورد بررسی قرار گرفت و اعضا نظرات مثبت و منفی و تحلیل گرایانه خود را در خصوص این نحله ی شعری بیان کردند .

در ادامه ی جلسه شاعران حاضر در جلسه از جمله سیامک برازجانی، سایه درختیان، مینا درعلی، فرح راورد شیری، مهری کرمی، علیرضا آب روشن، فاطمه برخونی، سمیه تمیمی ، اسما رستمی و ابوالقاسم محمدی باغملایی شعرهای خود را قرائت کردند .

در جلسه ی آینده نسیم کتاب "در کابوس سیب فرو می روم " از فرح راورد شیری مورد نقد و بررسی قرار خواهد گرفت .

نهاد ریاست جمهوری جایزه اش را از احسان عبدی پور پس گرفت!

در مراسم اختتامیه بخش تجلی اراده ملی، نهاد ریاست جمهوری هدیه ای را به فیلم سینمایی "تنهای تنهای تنها" به کارگردانی احسان عبدی پور تقدیم کرد که پس از دقایقی محمد سلوکی گفت به علت اشتباه تایپی صورت گرفته در برگه ای که به دست رسیده باید بگویم نهاد ریاست جمهوری لوح تقدیر و وجه نقدی خود را به فیلم "رسوایی" به کارگردانی مسعود ده نمکی تقدیم کرده است.

وقتی این اتفاق رخ داد جایزه را از عبدی پور گرفته و آن را به مسعود ده نمکی دادند.

اما مسعود ده نمکی وقتی بالای سن آمد به حالت خنده گفت: جور این اشتباه را من می کشم و وجه نقد را به احسان عبدی پور کارگردان "تنهای تنهای تنها" تقدیم کرد.



کنسرت موسیقی گروه هیرون به نفع کودکان بی سرپرست

گروه موسیقی هیرون ۱۱ام و ۱۲ام اسفندماه به حمایت از کودکان بی سرپرست در استان بوشهر به روی صحنه می رود. به دنبال اجراهای موفق گروه هیرون ۱۱ ام و ۱۲ ام اسفند ماه منتخبی از آثار آلبوم «سی خاطرات» و آلبوم «بوشهری ام» در سینما آوینی اداره ارشاد واقع در بهمنی به روی صحنه خواهد برد. نوذر سعادت پور مدیر گروه هیرون افزود: در این کنسرت جدیدترین ترانه های این گروه که تا روزهای آینده تحت آلبوم جدیدی از موسیقی بوشهر بنا «سی خاطرات» که تا اواسط اسفند ماه ۹۱ به دست علاقمندان خواهد رسید اجرا می نماییم.

شایان ذکر است که گروه موسیقی هیرون در ۲۸امین جشنواره موسیقی بین المللی فجر که به صورت همزمان در پایتخت و چندین شهر برگزار گردید به اجرای کنسرتی از موسیقی بوشهر در شهر یاسوج گردید که با استقبال زیاد مخاطبان خود روبرو گردید و موفق به کسب لوح تقدیر این جشنواره شد.

اشعار آثار جدید این گروه را محمد حسن آرش نیا، ایرج شمسی زاده با آهنگسازی غلامرضا وزان و نوذر سعادت پور تهیه نموده اند. اعضا گروه هیرون نوذر سعادت پور، اسماعیل بختیاری آزاد، محسن نوشزاد، علی ماهینی، نیما تنگسیری صدای استاد غلامرضا وزان را همراهی می کنند.

عکاسان بوشهری راه یافته به جشنواره تصویر سال ۱۳۹۱

حسین حیدرپور : ورزشی جوان (چاپ) مستند اجتماعی (مالتی مدیا) نگاهی دیگر (مالتی مدیا).

حسین زارع : نگاهی دیگر جوان (چاپ) نگاهی دیگر جوان (چاپ).

سعید عرب زاده :مستند اجتماعی آزاد (چاپ) نگاهی دیگر آزاد (چاپ).

رضا عنصر سیار : خبری جوان (چاپ).

مهدی جهان افروزیان : مستند اجتماعی آزاد (مالتی مدیا).

محمد صالح نیا : نگاهی دیگر آزاد (چاپ).

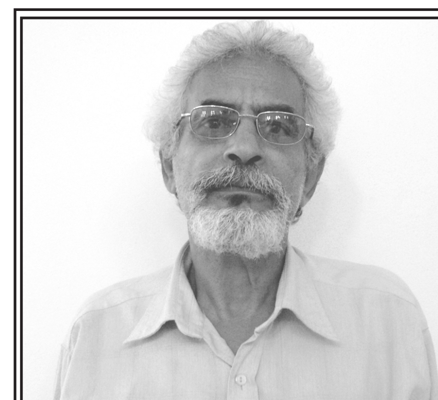
مرتضی زنده بودی : نگاهی دیگر آزاد(مالتی مدیا).

آنان که فردوسی نداشتند



سال ها پیش از یک نویسنده و خبرنگار مصری (حسنین هیکل) پرسیدند، شما که دارای تمدنی بزرگ، اهرام ثلاثه و ... هستید. چرا پس از هجوم سپاه اسلام به مصر، زبان و فرهنگ تان به کل از بین رفت و تبدیل به یک کشور عربی شدید.

آقای هیکل در پاسخ گفت: چون که ما "فردوسی" نداشتیم!



چند کار سپید از سید اسماعیل بهزادی

۱)نگاه

آشفته کرده ای
نگاه مرا در نگاه خود
آشفته تر دلم
وقتی که دزدیده می پایی
مشتاق
موج نگاهم را
از هر تلاقی نگاه
از ابر آه
برق شوق می تابد
باران غصه
از پشت پای تو
حبابهای فراموشی را تداوم می بخشد
وقتی که می روی
رنگین کمان اندوه
در دل کمانه می کند
***

۲) گذر

بیا
تا در تباتب عشق
لحظه های بودن را ببوسم
تا رفتنت
نمانده چیزی
و با من
آهی
که بدرقه ات می کند
موج صدای تو
وقتی کلام « دوستت دارم» را
سر دادی
ای من
با کدام قافله ی عشق
از دروازه زمان گذشتی
***

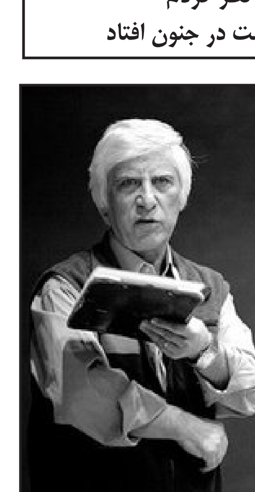
۳) شروه

دام غزل را
بارها گسترده ام
گریختی
آن سان بزرگی
که در قصیده هم
بایک ترانه چگونه ای؟
در بند بند وجودم
اکنون که می روی
...باد شروه می جوشد
« مرا دیدار رویت مشکل افتاد
چو کارم با خیالات دل افتاد
نه از بی مهری ات ای یار مفتون
که هجران در میانه مایل افتاد»
***

بی‌تو

مصطفی رجبی

بیا که بی‌تو دل عالمی به خون افتاد
ببین که حالِ منِ چله‌دیده چون افتاد
ز بحر عشقِ تو هر کس که سر فراز آورد
شد ابرِ قطره‌گذازی و سرنگون افتاد
به دل شمار تپیدن چگونه بر گیرم
که در شتاب حضورت به چند و چون افتاد
زمان عشق تو بر من نه اتفاق آمد
صدور حکم ازل بود و تاکنون افتاد
ز شرم چهره‌نواز تو و دو حضرت راز
به چشم نرگس و گلبرگ لاله خون افتاد
نه من به زاویه عقل خود نظر کردم
که هر که سوی تو پر بست در جنون افتاد



مُوبد: باید به سراسر ایران زمین، پندنامه بفرستیم.
زن آسیابان: پندَنامه بفرست ای موبد، امّا اندکی نان نیز، بر آن بیفزای. ما مردمان از پند سیر آمده‌ایم، و بر نان گرسنه‌ایم!
(بهرام بیضایی – نمایشنامه مرگ یزدگرد)

اجتماعی
شماره ۶۹۲ - یک شنبه ۶ اسفند ۱۳۹۱
NASIM JANOUB

چهل سال قبل درهمین روز

علیرضا مظفری زاده

به سوی سرنوشت



زمان می گذرد و واقعیت ها و حوادث خواه تلخ باشند و خواه شیرین در حافظه تاریخ می مانند هرچند به ظاهرِ گرد فراموشی بر آن ها پاشیده شود. به یک واقعه که ظاهراً فراموش شده نزدیک می شوم؛ موضوعی که درزمان خود هرچند در دایره ای محدود بازتاب فراوان یافت. وقتی نگاهی به پشت سر می اندازم گذشت چهل سال پر فراز و نشیب از آن حادثه را مشاهده می کنم. چه زمانی، چه فضائی، چه دورانی .

راستش مردد بودم که آیا چیزی در آن باره بنویسم و یادی هرچند کوتاه از آن داشته باشم یانه. با دوتن از دوستان مشفق و دانا جداگانه مشورت کردم. هردو بر این نظر بودند که ننویس؛ امروز این مطالب خریداری ندارد. پیش خود فکر می کنم که آیا براستی چنین است. از دوست دلسوز دیگری نظر می خواهم. او براین باوراست که این حادثه یک واقعیت تاریخی است که نمی شود آن را نادیده گرفت. واقعیت ها با خواست این و آن تغییر نمی کنند. مناسب ترین زمان برای بیان آن هم همین روزهاست.

***

پس از این مقدمه اشاره کنم که بیش از چهل سال پیش شبی تاریک که هیچ ستاره ای در آسمانش سوسو نمی زد و هیچ امیدی به آینده ای روشن در دلی جای نداشت، در برابرمان سنگینی می کرد. شاید آن صحنه را دکتر شریعتی در قصه کوتاه حسن و محبوبه این چنین ترسیم کرده باشد : " ده کوره ای بود خراب آباد ..... مانده از روزگاران خیلی قدیم، سوت و کور، آبش خشکیده، باغهایش پژمرده ... خانه سیاه و دودزده ، پنجره ها بسته ... نه آبی ، نه آبادانی ، نه گلبانگ مسلمانی. فقط گاه به گاه صدای سگ هائی که پارس می کردند یا شغالهائی که از دور زوزه می کشیدند ... و احیانا نیمه شب ها غریو شوم جغد .. به گوش می رسید."

اما در همین شب تار عده ای از جان گذشته چراغی بِر می کردند یا آتشی بر می افروختند تا نوری پیش پای مردمان بیفکنند و راه گم کردگان را راهنمائی کنند، اما دیو سیاهی و تباهی همین را هم تاب نمی آورد. سالهای دور؛ دهه های چهل و پنجاه را می گویم. رژیم شاه به جای اینکه از نصایح عالمان و فرهیختگان جامعه در جهت پیشرفت و ترقی کشور سود ببرد آنها را به بند می کشید و بر دهانشان مهر می زد. به قول امام علی (ع) در نهج البلاغه : عالمُهم مُلجَم و جاهلهُم مُکرّم بود .

بر دهان دانشمندان لگام زده و فرومایگان را ارج می نهادند.

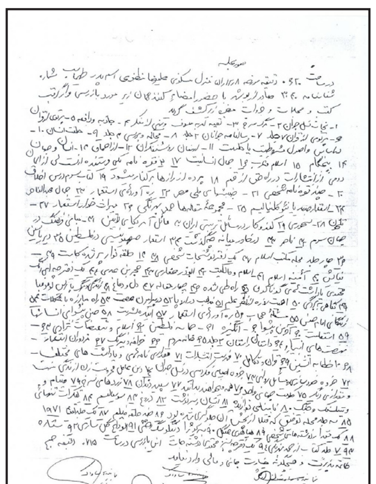
امروز که بیشتر جمعیت کشور را جوانان و نوجوانان تشکیل می دهند آنها هیچ تصویر یا خاطره روشنی از آن زمان ندارند. من که از دوران دبیرستان و حتی دبستان با کتاب مانوس بودم و به دنبال گمشده ای می گشتم ، آن را در کتاب جستجو می کردم . می دانیم که دهه های چهل و پنجاه دوران انقلاب های گوناگون بر ضد امپریالیسم کهنه و نو بود. از انقلاب الجزایر و ظهور سرهنگ جمال عبدالناصر در مصر و مبارزات فلسطینی ها گرفته تا انقلاب مائو در چین و کاسترو در کوبا و آلنده در شیلی وچه گوارا در سایر کشورهای آمریکای لاتین. برای آگاهی یافتن از آنچه در آن کشورها می گذشت بهترین راه دسترسی، کتاب بود. در داخل کشور برای کسی مثل من با علائق و دلبستگی های اسلامی، افرادی چون مهندس بازرگان، دکتر شریعتی، آیت الله مطهری و آیت الله طالقانی از جنبه فکری الگو بودند و کتابهایشان راهنمای حرکت به سوی آینده ای بهتر.

بعد از درگذشت پدرم و قرار گرفتن سرپرستی خانواده بر دوشم، از تابستان سال ۱۳۴۴ در حالی که ۱۶ سال و چندماه بیشتر نداشتم کارکردن با دست خود و حقوق گرفتن را تجربه کردم. مخبلند آن روز در حومه جنوبی بوشهر محله ای کوچک بود که درسال ۱۳۴۸ برق دار شد. تا آن زمان مطالعات شبانه ام زیر نور چراغ فانوس بود.

در خانه محقر پدری ام قفسه ای از یک اتاق کوچک را که بدنه داخلی اش گچ مال و سقفش پوشیده از چندل و بوریا و بامش گل اندود بود، به کتابخانه اختصاص داده بودم.

معمولا علائق مشترک ، دوستان را به دورهم جمع می کند. من هم با جوانانی که دوستدار دین، فرهنگ و عدالت بودند آشنا شده و جمعی را تشکیل داده بودیم. جلسات ابتدا تنها جنبه مذهبی داشت ولی به تدریج رنگ و بوی سیاسی به خود گرفت. در آن ها متن یا نوار سخنرانی های آیت الله العظمی خمینی (امام خمینی) که از عراق می رسید خوانده یا گوش داده می شد و دست به دست می گردید.

با همه این احوال ، هرچند این جلسات تهدیدی جدی و عملی برای رژیم شاه در بر نداشت اما ساواک – دستگاه امنیتی مغرور شاه – هیچ حرکتی – هرچند ملایم – را که برخلاف جهت خواسته اش بود برنمی تابید و بی پروا از آثار و تبعات آن ، سرکوبش می کرد. شیفته حق خواهی و عدالت بودم ، شمشیر نمی کشیدم . زیر نور چراغ کتاب می خواندم تا بدانم و آگاهی یعنی چیزی که اهریمن از آن بیزار بود. از آنجا که تفصیل ماجرا را همراه با عکس و مستندات در کتاب " نسیمی از دفتر ایام " آورده ام در اینجا تنها به یادکرد کوتاهی از آن روزگار بسنده می کنم.



۸ اسفند ۱۳۵۱

عصر روز هفتم اسفند ماه ۱۳۵۱ در حالی که از کلاس تدریس قرآن برای دانش آموزان مدرسه ای که در ضلع شمالی مسجد جامع عطار واقع بود بر می گشتم جنب بانک سپه مرکزی در شهر، مرحوم حجۀ الاسلام نبوی رادیدم که گفت: دوستت را گرفتند. پرسید م چه کسی را؟ گفت : آقای فاتحی را .

فورا به خانه برگشتم و باوجودی که کتابهای سیاسی مذهبی می خواندیم ولی هیچ آگاهی درستی از چگونگی برخوردهای ساواک نداشتیم. آنچه را که حدس می زدم خطرناک باشد جمع و جور و پنهان کردم. بدون اینکه به کسی چیزی بگویم، شب را با اضطراب سر بر بستر گذاشتم. در هوای گرگ و میشی روز هشتم اسفند در حالی که تازه نماز صبحم را خوانده بودم در حیاط به صدا درآمد و چند نفری که خودروشان را درکوچه مجاور پارک کرده بودند سرزده وارد منزل شدند. مادر و خواهرانم سراسیمه و وحشت زده به دنبالشان روان بودند. یکی از همسایه ها بیدرنگ به کلانتری دواس رفت و پاسبانی با خود آورد. ماموران ساواک بی اعتنا به ناله و زاری اعضاء خانواده تمام اتاق را زیرورو کردند. سردسته آنها به نام تاوتلی (که با یکی از خانواده های معروف بوشهری وصلت کرده بود) شخصی تنومند با دست هائی درشت و سنگین بود. ماموران هرچه را که در اتاق یافته و به نظرشان مضره یا مشکوک می رسید جمع آوری و صورتجلسه کردند. از کتاب و مجله گرفته تا نوار کاست، عکس و فیلم و کتابهایم چند گونی را پرکرده بود. آنها یکی از بستگان را وادار کردند که گونی های کتاب را به دوش بگیرد و تا خودرو آنها برساند. من برای ثبت درتاریخ تصویر صورتجلسه همراه با شرح اسامی کتاب ها را می آورم تا خوانندگان بدانند چه چیزهائی از نظر ماموران ساواک جرم محسوب می شده است.

در یورش های دو روزه ساواکی ها به منازل سایر دوستان همراه، شش نفر دستگیر و به مقر ساواک، انتهای شمالی خیابان انقلاب کنونی – محلی که امروز اداره کل امور اتباع خارجی استانداری است – منتقل شدند .

دوستان و برادران هم بند آقایان : عبدالله فاتحی ، مهندس سید مهدی موسوی ، حسین جمشیدی ، احمد معصومی و مرحوم عبدالنبی سیمرونی – که یادش به خیر و خدایش با صالحان محشور کند – را هم جداگانه در سلول های انفرادی حبس کردند.

برابر آنچه که بعدها دوستان و بستگان برایم نقل کردند این بازداشت گروهی در آن فضای بسته و ساکت بوشهر آن روز، صدا و موج بسیاری ایجاد کرد اما چون خفقان شدید بر جامعه حاکم بود واکنش محسوسی نداشت. پس از پایان دوره بازجوئی شب آخر اسفند ماه ما را به زندان عمومی واقع در محله شیخ سعدون انتقال دادند. دوماهی با زندانیان عادی بسر بردیم تا اینکه در اواخر اردیبهشت ماه ۱۳۵۲ همه ما را به زندان عادل آباد شیراز – که به تازگی افتتاح شده بود – اعزام کردند. ساواک آن قدر به خود غره بود که برای اعزام ۶ نفر از زندانیان سیاسی هیچ تدبیر امنیتی خاصی اتخاذ نکرد. در روز روشن ساعت ده صبح ما را به گاراژ مسافربری اتومیهن در خیابان صفوی آوردند. دست هریک را به دست ژاندارمی بیلی (دستبند فلزی) زدند و سوار بر اتوبوس عمومی همراه با سایر مسافران به شیراز فرستادند. بعضی از دوستانی که آن روز دانش آموز دبیرستان داریوش کبیر بودند با ناباوری صحنه را تماشا می کردند. خودشان بعدها جریان رابرایم تعریف کردند.

آن ها در آن لحظه شاید مضمون این ترانه حسن گل نراقی را زمزمه می کردند که:

تو را خدا نگهدار که می روی به سوی سرنوشت
بهارتان گذشته گذشته ها گذشته شما به سوی سرنوشت
در میان طوفان ها هم پیمان با قایق ران ها
گذشته از جان باید گذشت از طوفان ها ....

در زندان عادل آباد شیراز چند ماهی با مهندس لطف الله میثمی، مهندس رجبعلی طاهری و زنده یاد مهندس‌عزت‌الله‌سحابی هم بند شدیم. اواخر تابستان سال ۱۳۵۲ با قید ضمانت ما را رها ساختند. دادگاه نظامی شیراز من و سه نفر دیگر را به شش ماه و یک نفر را به یکسال حبس محکوم کرد و یک نفر هم تبرئه شد. جالب اینکه پس از رهایی از زندان به ساواک شیراز مراجعه کردم و آنها بعضی از کتابهایی را که ضبط کرده بودند به من پس دادند.

علاقمندان می توانند قبل و بعد ماجرا را در کتاب خاطراتم« نسیمی از دفتر ایام» دنبال کنند.

***

صورتجلسه

درساعت ۰۶۲۰ دقیقه مورخه ۵۱/۱۲/۸ منزل مسکونی علیرضا مظفری اسم پدر طهماسب شماره شناسنامه ۳۰۴۰ صادره از بوشهر با حضور امضاء کنندگان زیر مورد بازرسی قرار گرفت کتب و مجلات و جزوات مضره زیر کشف گردید :

۱- نجات نسل جوان ۲- مرگ سرخ ۳- بقیه امر به معروف و نهی از منکر ۴- جاذبه و دافعه {امام علی در نهج البلاغه} ۵ – پرتوی از قرآن ۶- پرتوی از قرآن ۷ جلد ۷- سالنامه جوانان ۲جلد ۸- محاکمه و بررسی { باب و بهاء } ۴ جلد ۹- خلقت انسان ۱۰ – در اساس و اصول مشروطیت یا حکومت ۱۱- ارمغان روشنفکران ۱۲ – از اعماق ۱۳- انسان و جهان ۱۴- پنجگام ۱۵ – اسلام و غرب ۱۶- جمال انسانیت { تفسیر سوره یوسف از صالحی نجف آبادی } ۱۷- دو فقره نامه یکی فرستنده ارنست لی از آلمان دومی از انتشارات در راه حق ۱۸- پرده از رازها برکنار می شود ۱۹- کتاب سوم درس اخلاق ۲۰ – چند فقره نامه شخصی ۲۱- جنبش های ملی مصر ۲۲- ره آوردهای استعمار ۲۳- جمال عبدالناصر ۲۴- استعمار جدید یا نئوکلنیالیسم ۲۵ – مجموعه مقاله های صمد بهرنگی ۲۶- میراث خوار استعمار ۲۷- تلخون ۲۸ – سحوری { مجموعه شعر از م . آزرم } ۲۹ – کندوکاو در مسایل تربیتی ایران { صمد بهرنگی } ۳۰ – مسائل آمریکای لاتین ۳۱- مبانی فرهنگ در جهان سوم ۳۲- ناصر ۳۳- درخاورمیانه چه گذشت ۳۴- استعمار صهیونیستی در فلسطین ۳۵ – دیر یاسین ۳۶- چهارجلد مجله مکتب اسلام ۳۷- یک دفتر نوشتجات شخصی ۳۸ – ۱۳ حلقه نوارپرشده کاست ۳۹ – نیایش ۴۰- آیینه اسلام ۴۱- اسلام و مالکیت ۴۲- ابوذر غفاری ۴۳- حجربن عدی ۴۴- یک دفترچه آبی رنگ محتوی یادداشت های گوناگون ۴۵- راه طی شده { از مهندس بازرگان } ۴۶- چهارمقاله ۴۷- دل و دماغ ۴۸- زندگی و مرگ پاتریس لومومبا ۴۹ – نگاهی به بردگی ۵۰- اهمیت روزه از نظر علم ۵۱- مذهب در اروپا ۵۲- در پیرامون عصمت ۵۳- راه مبارزه با مشکلات (زناشوئی) ۵۴- زندگانی امام حسین ۵۵- مسئله حجاب ۵۶ – ره آوردهای استعمار ۵۷- آینده بشریت ۵۸- حسین پیشوای انسانها ۵۹- استقامت ۶۰- آخرین پیشوا ۶۰- انگیزه ۶۱- حماسه فلسطین ۶۲- اسلام و تبعیضات نژادی ۶۳- نهضت های انبیاء ۶۴- داستان راستان دوجلد ۶۵- خانه مردم ۶۶- خرافه و نیرنگ ۶۷- مزدوران استعمار ۶۸- ده خطابه آتشین ۶۹- قرآن و تکامل ۷۰ – فهرست انتشارات ۷۱- مقداری نامه و یادداشت های مختلف ۷۲- جزوه خودسازی و مسائل روانی ۷۳- جزوه احیای فکر دینی در نسل جوان ۷۴- دین عامل محرومیت زن از زندگی نیست و مقداری دیگر ۷۵- حکومت جهانی واحد ۷۶- همه می خواهند بدانند ۷۷- سپید دندان {از جک لندن} ۷۸ – زردهای سرخ ۷۹- ویتنام ، ویتکنگ و جنگ ۸۰- نابینای نوازنده ۸۱- انسان و سرنوشت ۸۲- دروغ ۸۳- سوسیالیسم ۸۴- تفکرات تنهائی {از ژان ژاک روسو} ۸۵- سه جلد مجله توفیق که قبلا از پخش آن جلوگیری شده بود ۸۶- چند حلقه فیلم ۸۷- یک جلد تقویم ،۹۷۱ ، ۸۸- یک مقدار نوشته های شخصی ۸۹- هیاهوی جنگل ۹۰- به کوژا دینگو سگ وحشی ۹۱- الوداع گل ساری ۹۲- ستاره ۹۳- ۷جلد کتاب از صمد بهرنگی ۹۴- یک دفترچه سبز محتوی نوشته جات .

این بازرسی درساعت ۰۷۱۵ دقیقه صبح خاتمه پذیرفت و هیچگونه خسارت جانی و مالی وارد نیامد .

نماینده دادستان ارتش – امضاء –۵۱/۱۲/۸ نماینده ساواک – امضاء۵۱/۱۲/۸

نماینده ساواک – نام و امضاء ناشناس – امضاء

صاحبخانه علیرضا مظفری(زاده) – امضاء

انتقاد امام جماعت بیدخون:
مسئولان به شکل جدی متوجه خطری که مردم بید خون، عسلویه و نخل تقی را تهدید می کند نیستند

امام جماعت بیدخون از توابع شهرستان عسلویه می گوید: به جز مقام معظم رهبری هیچ کدام از مقامات دولتی و استانی پای درد دل مردم رنج کشیده بیدخون ننشسته اند.

حجت الاسلام سید عباس موسوی گفت: متاسفانه هم اکنون سرطان ریه، سرطان پوست، سرطان سینه و همچنین سقط جنین بین مردم بید خون شایعه شده است، پزشکان هم می گویند آلودگی های موجود باعث بروز مشکلات این چنینی برای مردم شده است.

موسوی اضافه کرد: چندین فاز با ۲۸ فلر(مشعل) روزانه گازهای سمی را وارد آسمان منطقه می کنند، طبیعی است مردم بی گناه این چنین با مشکلات بهداشتی دست و پنجه نرم کنند، حالا شما ۱۰ سال دیگر را تصور کنید گویا هنوز مسئولان به شکل جدی متوجه خطری که مردم بید خون، عسلویه و نخل تقی را تهدید می کند نیستند این مشکل ۱۰ سال دیگر همچون زخمی چرکین خود را نشان خواهد داد امیدوارم آن زمان دیر نشده باشد.

وی افزود: هرچند وزارت نفت متعهد شده است برای رفع آلودگی ها اقدامات لازم را انجام دهد و برای فلرهای موجود فیلتر تهیه کند اما تا کنون هیچ اقدامی صورت نگرفته است در همین خصوص طوماری نوشته و به امضا مردم صبور و مظلوم بید خون رسانده ایم و خدمت مقام معظم رهبری ارسال کرده ایم.سید عباس موسوی یادآور شد: تنها رهبر معظم انقلاب در سفر به منطقه دیدار عمومی داشتند و مردم از نزدیک ایشان را ملاقات کردند. احمدی نژاد یازده بار به استان اکثرا عسلویه سفر کرده است ولی تا به حال هیچ دیداری با مردم شهر بیدخون نداشتند، هیچ کدام از وزیران نیز به این منطقه بسیار محروم سفر نکرده اند، به غیر از آقای افراشته استاندار اسبق بوشهر هیچ کدام از مقامات استانی نیز نخواستند دیداری با مردم رنج کشیده بید خون داشته باشند و پای درد دل هایشان ننشسته اند، انگار ما را فراموش کرده اند ولی ما استان مان را فراموش نمی کنیم و همچنان به استان بوشهر عشق می ورزیم.امام جماعت بیدخون در خصوص توسعه دایره بومیان عسلویه در استخدام های پارس جنوبی نیز گفت: شاید با این کارها می خواهند عسلویه را به فارس نزدیک و نزدیک تر کنند اما نمی دانند تا حضور حضرات آیات همچون حسینی بوشهری و صفایی بوشهری در آسمان این استان می درخشد خواب الحاق عسلویه به استان فارس هیچگاه تعبیر نخواهد شد./ منبع:جنوب نیوز

مراسم تودیع ومعارفه مسئول دفتر نمایندگی برازجان و
افتتاحیه ساختمان سازمان نظام مهندسی ساختمان در برازجان



به مناسبت دهه فجر و پیروزی انقلاب اسلامی، سازمان نظام مهندسی ساختمان استان بوشهر در مراسمی ساختمان دفتر نمایندگی خود را در شهر برازجان با حضور رئیس سازمان نظام مهندسی ساختمان استان بوشهر و هیئت همراه، مهندس محمدیان و مهندس عبداله نژاد بازرسان دفتر کل مقررات ملی ساختمان وزارت راه و شهرسازی، مهندس جوکار نماینده اداره کل راه و شهرسازی استان بوشهر، شهردار برازجان، نماینده فرماندار، رئیس شورای شهر و جمعی از مهندسین و مسئولین افتتاح کرد.

در ابتدای این مراسم قرائت قرآن توسط مهندس عبداله نژاد، قاری بین المللی قرآن و بازرس دفتر کل مقررات ملی ساختمان وزارت راه و شهرسازی انجام پذیرفت.

سپس مهندس علیرضا سنائی دشتی، رئیس سازمان نظام مهندسی ساختمان استان بوشهر ضمن تبریک به مناسبت دهه فجر سخنانی را ایراد نمود.

وی گفت: اعضای سازمان نظام مهندسی ساختمان استان بوشهر از ابتدای تاسیس سه سال پیش ۳۰ برابر افزایش یافته است. و از سه سال پیش تاکنون همان تعداد دوبرابر رشد داشته است.



وی افزود: این استان رشد قابل توجهی در رشته عمران داشته است بطوریکه اولین بودجه عمرانی در سراسر کشور در اختیار استان بوشهر است که می بایست پتانسیل و پشتیبانی خوبی جهت استفاده از این بودجه وجود داشته باشد.

وی صدور شناسنامه فنی ملکی، آزمایش ژئوتکنیک برای ساختمان های بلند مرتبه و آزمایش کیفی بتن، کارگران ماهر از جمله خدمات جدید سازمان عنوان نمود.

مهندس سنائی دشتی افزود: با اینکه در زمینه گاز استانی جوان هستیم اما توانستیم کل استان را تحت پوشش نظارت گاز قرار دهیم.

رئیس سازمان نظام مهندسی ساختمان استان بوشهر در پایان از مهندس کرمی تشکر و قدردانی نمود و برای مهندس صائبی آرزوی موفقیت در این مسئولیت را داشت. و آرزوی داشتن تعامل هر چه بهتر با شهرداری، فرمانداری، شورای شهر و دیگر سازمان های مرتبط را نمود.

سپس مهندس حسین آبادی عضو سازمان نظام مهندسی ساختمان استان بوشهر و شهردار برازجان ضمن خوشامدگویی به میهمانان وزارت راه و شهرسازی و ردیس سازمان نظام مهندسی ساختمان استان بوشهر و هیئت همراه عنوان نمود: انشاءالله بتوانیم با همکاری هرچه بیشتر و همراهی های مناسب بین شهرداری و دفتر نمایندگی سازمان در شهر برازجان به ارتقاء سطح کیفی ساخت و ساز کمک نماییم.

وی از همایش ها و نمایشگاه های مرتبط با ساختمان در ماه های آتی خبر داد و گفت: اطلاع رسانی های لازم را در این زمینه انجام خواهیم داد.

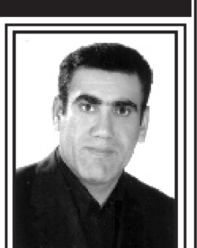
سپس مهندس محمدیان، بازرس دفتر کل مقررات ملی ساختمان وزارت راه و شهرسازی و مهندس دهقان، رئیس شورای شهر برازجان مطالبی را در خصوص ساخت و ساز مناسب با رعایت مقررات ملی ساختمان، اهمیت معماری اسلامی و ایرانی، تاکید بر امر نظارت صحیح و استفاده از مصالح مناسب در امر ساخت و ساز عنوان نمودند.

سپس از مهندس کرمی و همکاران ایشان با اهدای هدیه و لوح تقدیر قدردانی به عمل آمد و حکم مهندس صائبی و اعضای جدید کمیته نظارت دفتر نمایندگی برازجان اعطاء گردید.

در پایان این مراسم ساختمان دو طبقه دفتر نمایندگی برازجان با توسل به قرآن کریم افتتاح گردید و از بخش های مختلف این ساختمان دیدن شد. ضمناً افتتاح و مکانیزاسیون اتوماسیون اداری دفتر نمایندگی برازجان با مرکز استان یکی از مهمترین برنامه های این مراسم بود.



رکود فعالیت های عمرانی شهر بوشهر؟!



رضا سیاوشی

شهر بوشهر؛ مرکز استانی که بیش از ۴۰۰۰ سال قدمت تاریخی دارد، شهری که پیش از بسیاری از شهرهای مهم ایران دارای صنایع جدیدی از قبیل یخ سازی و برق بوده است و مردمانش از اولین ایرانیانی بودند که با مجله و روزنامه آشنا شده اند و یکی از نخستین شهرهایی بوده که کارخانه چاپ سنگی را وارد کرده است، از همین رو در بوشهر روزنامه‌های زیادی همچون «مظفری»، «خلیج ایران» و «ندای جنوب» به چاپ و نشر رسیده است و مدرسه سعادت آن نیز دومین مدرسه ایران و بعد از مدرسه دارالفنون تهران می‌باشد که این نشان از داشتن سواد، دانش، علم و آگاهی و همچنین فرهنگ غنی و بالای مردم این شهر کهن بوده است. شهری که اهمیت تجاری، اقتصادی و استراتژیکیش آنقدر برای کشور مهم بوده که فرودگاه آن جزو سه فرودگاه قدیمی کشور می باشد.

حال نیز با همین مقدمه و مختصر ویژگی های تاریخی بوشهر، بهانه ایی می جوییم تا به حضراتی که تحت هر عنوانی و از سال های دور در این شهر مسئولیت و مقامی داشته و هرگز به فکر توسعه و آینده نگری اساسی، اصولی و کارساز برای امکان و ایجاد تغییرات کوچک و بزرگ نکردند و اگر امروز میبینیم که بازار و پاساژها ، کوچه و خیابانها ، ساختمان سازی ها ، مراکز تفریح و سرگرمی و... در بوشهر از نظم و شکل و شمایل خاصی برخوردار نیستند و یا کمبودهای فراوانی داریم نشان از همان بی تدبیری ها و عدم برنامه های جامع و مدرن شهرسازی می باشد!

دلیل عقب ماندن از جاده سبقت آباد و عمرانی و توسعه نسبت به بسیاری از شهرهای دیگر چنین موضوعاتی بوده که اکنون نیز ما را دچار مشکلات عدیده و زیاد نموده است. زیرا جدا از مواردی که بدان اشاره گردید ارایه مجوزهای غیرکارشناسی و بدون نظارت در ساخت و سازها نیز مشکلات را افزون بر علت نموده و در واقع این شهر نه چندان بزرگ و با این وضعیت دیگر قابلیت تغییرات اساسی و بنیادی ندارد.

اما اگر بخواهیم به اصل موضوع نیز بپردازیم و گلایه و شکایتی داشته باشیم باید خطاب به مسئولان شهرداری و اعضای شورای شهر عنوان کرد و گفت ؛ متاسفانه در سال ۹۱ شهرداری به نوعی تعطیلی فعالیتهای عمرانی داشت! و کمتر جنب و جوش و فعالیت اساسی و چشمکیری و نوسازی در سطح شهر مشاهده گردید! به راستی چرا؟ چرا در طول یکسال کاری شهرداری یک شهر نتوانسته کارایی لازم و کافی داشته باشد و هیچکس هم توضیحی نمی دهد و کسی هم پیگیری نمی کند؟! علت آن چه بوده است؟ یا کار انجام گردیده و من نگارنده چشم بصیرت را نداشته ام؟ کدام پروژه و طرح مهم و بزرگی در سال جاری اجرا کردید؟ چه تغییرات و امکاناتی در کنار دریا و ساحل ایجاد و اضافه شده است؟ چرا دوسال پلاژ بانوان تعطیل هست و همین اندک دلخوشی آنان جهت پرکردن اوقات فراغت و پرداختن به ورزش برای نشاط ،سرگرمی و تندرستی نیز از آنان گرفته شده است؟ در چند مکان پارکینگ عموی احداث گردید؟ کدام پارک بازی و سرگرمی احداث و افتتاح گردید؟ آیا این وضعیت نابسامانی که در خیابان لیان بوجود آمده زیبنده شهرداری و مرکز شهر است ؟

چرا قبل از تخریب میدان انقلاب یک طرح و نقشه ایده آل برای آن ترسیم نمی گردد که مدت ها چهره مرکز شهر بد جلوه داده نشود؟ شما حداقل احترام به تبلیغ و شعارتان که دعوت به مشارکت مردم برای همیاری است، ارزش و احترام قائل گردید (شهر ما خانه ما). چقدر گفتیم و نوشتیم که میدان مطهری و سه راهی بالاتر از آن (بعد از ایستگاه دانشگاه) ، میدان آزادی و روبروی بیمارستان خلیج فارس نیاز مبرم به پل زیرگذر و روگذر دارد؟ اما کو گوش شنوا؟ چرا نباید اهمیتی برای جان خود و شهروندان قائل گردیم؟

چرا بیشتر این کمبودها، معضلات و مشکلاتی در شهر ما وجود دارد و علیرغم درخواست ها و پیگیری ها فراوان مردمی باز هم خبری از تغییرات ، بازسازی ، رسیدگی و پیگیری نمی باشد؟ نباید قبل و یا هنگام احداث و اجرای پروژه های مثل همین بیمارستان ، تدبیری برای تردد خودروها و رفت وآمد مردم در نظر گرفته شود تا مثل الان اینچنین ایجاد مشکل نگردد؟!

آقایان شورای شهر؛ شهرداری در سال جاری بودجه نداشت یا اینکه در کسب درآمد ناموفق بود؟! حداقل من شهروند باید حق این را داشته باشم که بپرسم و یا بدانم، چرا فعالیت و تغییر و تحولات اساسی و چشمگیری در سطح شهرم دیده نمی شود و یا دلیل آن چیست؟ اگر بحث بودجه ای است ، مگر شهرداری هرسال بودجه سالانه دریافت نمی کند و یا درآمد و عوارضی که کسب می کند حداقلِ جوابگوی اجرای طرح ها معمولی و کوچک نمی باشد. اصلاً چرا ؛ در استانی که صنایع آن هم اکنون و با توجّه به موقعیت استراتژیک خود و داشتن منابع و صنایع مختلفی نظیر نفت و گاز، به ویژه میدانهای گازی پارس جنوبی در عسلویه و کنگان و پارس شمالی در دیر، بردخون و شهرستان دشتی به عنوان بزرگ‌ترین منبع مستقل گازی در جهان و وجود پالایشگاه عظیم گاز در جم و نیز دارا بودن یکی از مهم‌ترین ترمینال‌های صادرات نفت خام جهان در جزیره خارگ و همچنین اجرای طرح‌های کلان صنعتی از قبیل نیروگاه اتمی بوشهر، کشتی سازی و مانند این‌ها و مهمتر از آن اخذ لقب پایتخت انرژی کشور، باید مشکل بودجه ای داشته باشیم؟

ضمن اینکه به لحاظ اقتصادی و در بخش های کشاورزی ، تجارت ، دامداری و شیلاتی هم فعالیت چشمگیری وجود دارد. آیا با توجه به درآمدهای هنگفتی که از سازمان های مانند اداره بنادر و کشتیرانی ، گمرک ، دارایی و امور اقتصادی، تامین اجتماعی و... در استان نیز کسب می گردد، مشاهده چنین وضعیتی و عدم امکانات و تجهیزات لازم و کافی در زمینه های فرهنگی ، هنری ، ورزشی و اجتماعی درخور شان و زیبنده بوشهر و مردمان نجیب و با وقار آن هست؟

هرچند که دیگر سال ۹۱ روزهای پایانی خود را سپری می کند و متاسفانه برخلاف چند سال اخیر که شهرداری در آباد و عمرانی و بهبود وضعیت مبلمان شهری فعالیتی نسبتاً موفق داشت، اما قطعاً در سال جاری شهرداری و شورای شهر بوشهر بدلیل اختلاف با شهردار و مسایل حاشیه ای که دیگر با عملکرد بسیار ضعیف خود و عدم رضایت مندی شهروندان از آنان، نمره قبولی نگرفتند. امید می رود که در سال در پیش رو شاهد فعالیت های جدی و کارسازی از شهرداری باشیم.

سلام بومی عسلویه

بالاخره شرکت گاز همین گاز خودمان مهلت ثبت نامش تموم شد ولی...
ولی خیلی ها بومی شدند!
از قیر و کارزین گرفته تا خنج و لامرد!! فقط نمیدانم ما این وسط چه کاره ایم!!
یعنی اینقدر غریبه ایم!
راستی میگویند "نصوری" برای بوشهریها همین بومی های دور خیلی زور میزند بروند شرکتی بشوند!! راستی این مهندسان بومی عسلو مگه چندتان؟!
این مسولان ما خبر دارن؟ فکر نکنم! آخه اگه میدونستند که نمیرفتند قیر و کارزین را بومی کنن!!
بخشدار ما (بخوانید حتما فرماندار ما) خیلی وقتها فکر صندلی خودشه!!
آقا مهندس دیگه وقتشه!
مهندس جوون با این آلودگی که شب و روز داری به ریه هات میفرستی حق خودته!
آره حقته بدون آزمون بری تا مصاحبه. بین خودمون باشه مگه چندتاییم! اگه نجنبیم فردا همه میشن بومی اونوقت خودت غریبه میمونی. بیایید جمع بشیم درد ریه هامون به مسؤلان گازی برسونیم شاید بالاخره یکی رفت استخدام گاز شد! یادت باشه هدفمون حذف آزمون برای همین چند نفر بچه های شهرستان عسلویه! وقتی همه دارن بومی میشن ما حقمونه بدون آزمون بریم. به امید بیداری مسؤلان گازی!
اندیشه ورزان برنا

بیمارستان عسلویه چه شد؟



عبدالصمد محمدی: رفته بودم مرکز شهر عسلویه ، دوربین همراهم بود.. برای عکس گرفتن از بیمارستان تامین اجتماعی که ۷ سال و نیم است و هنوز آماده نشده!
برای ورود به ساختمان آنجا به سراغ نگهبان بیمارستان رفتم... جوانی حدودا ۲۶ ساله.. با نگاهی آغشته به ترس ، به من گفت : نمی شود عکس بگیری! ... از احوال بیمارستان پرسیدم گفت : ۳ الی ۴ ماه باید صبر کنیم شاید آماده شود!!!
این خلاف آن چیزیست که مسئولین منطقه و شهرستان می گویند!!
فکر نمی کنم با پنهان کاری مسئولین بیمارستان، چیزی حل شود یا مردم از حق خود بگذرند..

تقاضا از صدا و سیمای مرکز بوشهر

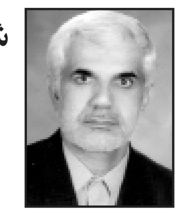
آگاهی دادن مردم از حقوق قضائی خود

حسین ایران پور: بزرگان گفته اند پیش گیری بهتر از درمان است. هر هفته یک برنامه حقوقی از رادیو بوشهر پخش می شود که در این برنامه با مجری گری «احمد زاده» و میهمان «مقدس» به عنوان کارشناس قضائی دادگستری بوشهر در رابطه با جلوگیری از بزه کاری و هشیاری در عقد قرارداد و خواندن و تامل کردن روی تک تک کلمات قید شده در قولنامه ها حتی قولنامه های سوری و دست نویسی که واقعا کار ساز بوده، بحث و بررسی صورت می گیرد. این برنامه در روزهای سه شنبه از ساعت ۱۰ الی ۱۱ صبح، ضمن واکاوی قولنامه ها و دادن آگاهی های لازم به شنوندگان پاسخ گوی مشکلات مردم نیز می باشند.
به نظرم اختصاص وقت بیشتر به این برنامه ها، باعث کم شدن جرائم و جلوگیری از سرگردانی مردم فریب خورده در راهروهای دادگاهها و پایمال شدن حق و حقوق شهروندان در اثر بی اطلاعی از قوانین و مقررات خواهد شد. بی شک پخش اینگونه برنامه ها باعث هوشیاری مردم از نحوه عقد قراردادها و اسقاط خیارات از خود در قولنامه ها شده و با علم و اطلاع کامل به نوشتن قولنامه می پردازند و با آگاهی بیشتر بزه کاری کمتر خواهد شد و تعداد شکایات هم به مراتب کم تر خواهد شد و طرفین که از حق و حقوق خود آگهی کامل پیدا می کنند و با مذاکره می توانند به مشکلات خود پایان داده و باعث پرکردن وقت دادگاهها و اطاله دادرسی نمی شوند.
همچنین از مدیران مسئول هفته نامه ها تقاضا دارم که با حقوقدانان ارتباط برقرار کرده و هر هفته در رابطه با طرح یک موضوع و راهکارهای جلوگیری از کلاه برداری و پایمال شدن حقوق شهروندان با آنان مصاحبه کرده و نظرات آنها را درج نمایند.

باید ثابت ماند

... باد فرو خواهد نشست. آن جنگل خسته آرام خواهد گرفت. بار دیگر همه چیز آرام و بعد باز طوفان خواهد شد و بعد باز آرامش. تنها چاره آدم این است که ثابت بر جای بماند مثل ریشه کوه. نباید به آنچه پیرامونش رخ می دهد چندان اهمیتی بدهد. آری باید ثابت ماند. آرام و همه چیز را برای خود درک و توجیه کرد...!
(برگرفته از کتاب "حریق در باغ زیتون" / گراتزیا دلددا / مترجم: بهمن فرزانه)

شخصیت و نقش میرزا محمد بیگ الحسینی خورموجی در مبارزات میرمهنا بندرریگی علیه استعمار



ناجی میرمهنا از اسارتگاه کریم خان زند

عبدالحمید قیصری

پس ازمرگ نادر شاه در ایران اختلافات و اغتشاشات زیادی بر پا شد تا اینکه کریم خان زند با مدعیان حکومت به جنگ پرداخت و پس از چند سال کشمکش بر اکثر نواحی ایران از جمله سراسر استان فارس و نواحی خلیج فارس از جمله منطقه دشتی کرمان اصفهان خوزستان آذربایجان و... تسلط یافت.
در زمان کریم خان ضابط و حاکم دشتی میرزا محمد بیگ الحسینی خورموجی فرزند میرزا علی بیگ الحسینی خورموجی بود. وی نزد کریم خان از جایگاه ومنزلت والایی برخوردار بود، علم و فرهنگ در منطقه دشتی پیشینه ای طولانی دارد و بی جهت نبوده و نیست که به دشتی (منطقه دشتی) نگین فرهنگی جنوب لقب داده اند. این منطقه تاریخی در طول تاریخ خود که بسیاری آن را به پیش از اسلام مرتبط میدانند، مشاهیر و بزرگان زیادی را در خود پرورانیده است، وجود مدارس های کهن در این منطقه گواه از تربیت عالمان و شخصیت های فرهنگی ، مذهبی ، اجتماعی و... میباشد.
لازم دانستم در خصوص خاندان میرزا محمد بیگ الحسینی خورموجی و نوه ایشان میرزا محمد جعفر خان الحسینی خورموجی و رابطه این خاندان با خاندان وغایی مطالبی عرضه نمایم. میرزامحمد جعفرخان الحسینی خورموجی معروف به حقایق نگار فرزند میرزا ابوالحسن خان الحسینی خورموجی فرزند میرزا محمد بیگ الحسینی خورموجی دانشمند فاضل و حقیقت پسند از مورخین بنام دوران قاجاریه مشهورترین و زبده ترین آثار این دانشمند حقایق الاخبار ناصری است. اوج شهرت وی افشای مرگ امیرکبیر است، پدربزرگ ایشان میرزا محمد بیگ الحسینی خورموجی فرزند میرزا علی بیگ الحسینی خورموجی فرزند میرزا حسین بیگ الحسینی خورموجی درزمان کریم خان زند حاکم و ضابط و مورد احترام اهالی دشتی بود. در همان زمان نیز میرناصربن میرمحمد بن میرعبداله موسوی امامزاده ای از سادات بزرگ و جلیل القدر بحرانی و خاندان او از اعقاب امام موسی کاظم (ع) حاکم مقتدر و مورد احترام ساحل نشینان به خصوص اهالی بندر ریگ و نواحی شمالی بوشهر بود. بین این دو خاندان بزرگ منطقه پیوند خویشاوندی و قرابت نزدیکی وجود داشت. میرزا محمد بیگ الحسینی خورموجی یکی از دختران میرناصر که زنی بسیار شایسته و فهیم بود به همسری اختیار نمود. میرزا محمدبیگ الحسینی خورموجی جایگاه و منزلت والایی نزد خاندان زند از جمله کریم خان داشت و از احترام خاصی بر خورداربود.
میرمهنا فرزند میرناصر بیست ساله بود که حکمران بلامنازع بندرریگ و نواحی شمالی بوشهر شد. میرمهنا برخلاف سایر روسا که با کریم خان زند متحد بودند، علیه کریم خان علم طغیان و مبارزه برداشت، بدستور کریم خان زند شش هزارنفر مرد جنگی برای سرکوبی او بندرریگ را مورد حمله قرار دادند و آن شهررا تصرف نمودند و میرمهنا را به اسارت خود در آوردند. میرزا محمد بیگ الحسینی خورموجی که بسیار مورد احترام خان زند بود وساطت نمود و با شفاعت او میرمهنا پس از یکسال از اسارت آزاد گردید، ولی به محض آزادی و بازگشت به بندر ریگ نسبت به تخریب دفتر تجاری و قلعه انگلیسی ها که در غیاب او و



شبیه قلعه هلندیها در خارگ ساخته شده بود اقدام و فرانسیس وود و کلیه انگلیسی ها را که با قول و قرارداد با کریم خان وارد بندرریگ شده بودند، از بندرریگ اخراج نمود و همین اتفاق موجب شد شهر بندر ریگ مجددا مورد محاصره و حمله قوای مسلح کریم خان قرار گیرد و به ساکنین بندر ریگ اتمام حجت شود که چنانچه تسلیم نشوند بندرریگ با خاک یکسان خواهد شد. میر مهنا مجددا بازداشت و به شیراز اعزام گردید، درسال ۱۷۵۷میلادی مجددا میرزا محمد بیگ الحسینی خورموجی شفاعت آزادی میرمهنا را از کریم خان مینماید. میرمهنا پس از آزادی از اسارت باز هم حاضر نمیشود تابع دستورات و تسلیم خواسته های کریم خان زند شود و همچنان به مخالفت خود باکریم خان ادامه میدهد.
درسال ۱۷۶۰بدستورکریم خان بندرریگ برای سومین بار مورد حمله وحشیانه و لشکرکشی سپاهیان مسلح زند قرار میگیرد، در این مبارزه ولی خان فرمانده لشکر کشته شد و فرمانده دیگری بنام باقر خان فرمانده لشکر کشی راعهد ه دار میگردد.
میرمهنا در سال ۱۷۶۵ با قوای اندک ولی با ایمان خود مقر سپاهیان استعمارگر هلند در جزیره خارگ را که بدون هیچ بهانه ای به تصرف خود درآورد و حلقه محاصره را لحظه به لحظه تنگتر مینماید، قلعه مستحکم و معروف موسلستاین که بشدت توسط نیروهای آموزش دیده از جمله ۸۰ سرباز اروپایی و ۱۲۰ سرباز محلی از آن محافظت میشد به تصرف خود درآورد. میرمهنا درسال ۱۷۵۳ میلادی ۱۸ سال بیشتر نداشت که در تصرف بحرین شجاعانه شرکت نمود. او را به جهت اینکه در دریا از خود شجاعت نشان میداد مالک دریاها مینامیدند. بسیاری عقیده داشتند و دارند که او یک فرد عادی نبوده است. تاریخ نویسان عنوان نموده اند که اوبه کمالات صوریه و معنویه آراسته بود. در جوانی به او لقب صاحب سیف و قلم داده بودند. شجاعت، هوشیاری، صراحت لهجه، قاطع و باایمان بودن او توانست با حملات و مبارزات بی امان به وحشیگری وغارت و استعمارگری۱۴۴ ساله هلندیها در خلیج فارس و جزیره خارگ برای همیشه پایان دهد و پس از ۱۴ سال مبارزه درسال ۱۷۶۷ جزیره خارگ را از چنگ دشمن نجات دهد و پس از به زیر کشیدن پرچم استعمار، پرچم لا اله الا اله محمد رسول الله رابر بلند ترین نقطه جزیره خارگ به اهتزاز درآورد.
پس ازاخراج هلندیها، کریم خان به منظور سرکوبی میرمهنا چاره را در این دید که با انگلیسیها قرارداد منعقد نماید. بر اساس این قرارداد در صورت شکست میرمهنا جزیره خارگ به انگلیسیها واگذار میگردد، توطئه های زیادی برای شکست میرمهنا از جمله اختلاف خانوادگی به راه انداختند و ذکی خان مجددا به بندر ریگ لشکرکشی نمود. میرمهنا برای جلوگیری از خونریزی ودرگیری خانوادگی بناچار جزیره خارگ را با توجه به آنکه در محاصره نیروهای متخاصم قرارداشت ترک نمود. این جوان رشید و نام آور که تمامی عمرکوتاه ولی پر بار خود را در راه مبارزه و مصاف با دشمنان استعمارگران و متجاوزین به خلیج فارس و دستگاه حاکمه ظالم و جابر که طی قرون مختلف هدفی جز غارت و چپاول اموال و سرمایه های ساحل نشینان نداشتند، سپری نموده بود، عاقبت در مارس ۱۷۶۹ به اتفاق همراهانش به حکم حاکم بغداد در بصره به شهادت رسید و سر از تن او جدا کردند و سر جدا شده از تن او را برای گرفتن هدایا به نزد حاکم بغداد فرستادند.
پس ازسالها تلاش و پیگیری های فراوان به همت مسولین شهر بندرریگ، بخش بندرریگ، شهرستان گناوه، استان بوشهر تلاش و انتظار مردم مسلمان و ساحل نشینان این بندر تاریخی به نتیجه رسید و در مراسم خاصی از تندیس این دلاور شجاع و رشید نام آور اسلام در بندرریگ پرده برداری شد.

منابع : – سلطه جویان واستعمار گران درخلیج فارس – اسکندر دلدم.
– میر مهنا رویاروی انگلیس وهلند – قاسم یا حسینی.
– زوال دولت هلند در خلیج فارس – خورشید فقیه.
– حقایق الا خبار – محمد جعفر خورموجی.
– رستم التواریخ – محمد هاشم اصف.
– بندرریگ – سید جعفر حمیدی.

لذت ها و غم ها

لذت‌ها همه موهوم‌اند و غمخواری برای از دست دادن موهومات، حقیرانه و حتا خنده‌آور است.
نشناختن این حقیقت، که منشأ آن خوشبینی است، سرچشمه‌ی بسیاری از شوربختی‌هاست. زیرا هنگامی که فارغ از رنج ایم، آرزوهای بی‌قرار، توهم خوشبختی را که در واقعیت وجود ندارد در ذهن ما منعکس می‌کنند و ما را بر می‌انگیزند تا به دنبال آن برویم. از این راه، رنج را که واقعی بودن آن انکارناپذیر است به سوی خود می‌کشانیم. سپس در اندوه وضعیت بدون رنج گذشته، چون بهشتی که از روی سهل‌انگاری از دست داده ایم، شکوه می‌کنیم و بیهوده آرزو می‌کنیم ای کاش می‌توانستیم آن‌چه را که رخ داده است از میان برداریم. (شوپنهاور – در باب حکمت زندگی)

بیمارستان تامین اجتماعی عسلویه ، نه درمانگاه صحرایی!



قصه همان قصه ی معروف و تکراری بیمارستان است. برای چند دهمین بار دارد اکران میشود. اگر به اندازه ی خبر نوشتن درموردش ، مسئولین کمی همت می کردند ، حالا بیمارستان فوق تخصصی در عسلویه دایر بود. چیزی که الان دیده می شود چند خط نوشته از دستخط مردم عسلویه است و لا غیر! تنهای تنهای به جنگ با محرومیت رفته اند. جای خالی نماینده ی مجلس در این میان به شدت احساس می شود. شورای بخش نیز به اندازه ی تمام سالهای ریاستش، مقصر است! چراکه جایگاه واقعی خود را باور نکرده است.
شهرِ ما هنوز بیمارستانش تمام نشده! مسئولین منطقه خوب می دانند چه کسی مقصر است. کجای این سد سوراخ است. کجای مسئله اشتباه است.. چندین بار بخشدار قول افتتاحش را داده. چندین بارهم فرماندار کنگان این را تکرار کرده . قول هایی که چندین سال است عملی نمی شود.
کشوری که میمون فضا می کند. ایرانی که امید آسمان می فرستد. کشوری سرشار از متخصصین و مدیران کار آمد... کشور که به وجب وجب خاکش افتخار میکنیم، زیاد است اگر یک بیمارستان در عسلویه داشته باشد؟! جواب طبیعتا منفی است. چیز بزرگی نیست. چرا که ما توانایی آن را داریم که مناطق محروم را آباد کنیم.
اتفاقی که نیروی سپاه در منطقه باعثش می شود. بیمارستان صحرایی سپاه که تا یک هفته دیگر در منطقه دایر خواهد بود.
دو سوال پیش می آید: که چرا با وجود توانایی ما در دایر کردن این بیمارستان ها، هنوز نتوانسته ایم بیمارستان تامین اجتماعی عسلویه راه اندازی کنیم؟! خدمت همان خدمت است و مردمی که به بیمارستان صحرایی خواهند آمد همان مردم هستند. پس چرا هنوز بیمارستان عسلویه تکمیل نمی شود؟!
مورد دیگر نیروی متخصص و کادر پزشکی بیمارستان است.
مدتی است مسئولین شکایت از کمبود نیروی متخصص می کنند، برای بیمارستان عسلویه که قرار بود در دهه فجر افتتاح شود که نشد! در هر جلسه ای این را اعلام می کنند که نیروی بیمارستان و پرسنل هنوز تکمیل نشده و موضوع راه اندازی عملا منتفی است!
در بیمارستان صحرایی کادر پزشکی مجرب و ماهر (به گفته ی خودشان) وجود دارد. پس چرا به جای بیمارستان صحرایی ، بیمارستان تامین اجتماعی افتتاح نمی شود؟!
مورد سوم اینکه بیمارستان صحرایی موقت است ولی بیمارستان تامین اجتماعی به صورت دائمی به مردم خدمات می دهد. بیمارستان عسلویه برای این مردم و برای مردمی که سالهای بعد می آیند خواهد بود.
بیمارستان تامین اجتماعی و بیمارستان سوانح و سوختگی یک نیاز است. درمانگاه صحرایی مشکل مردم عسلویه را حل نمی کند.
منبع: وبلاگ اینجا بندوست

جوانان جویای کار عسلویه و انتظار شغل

مسعود کشاورز – شهرستان عسلویه

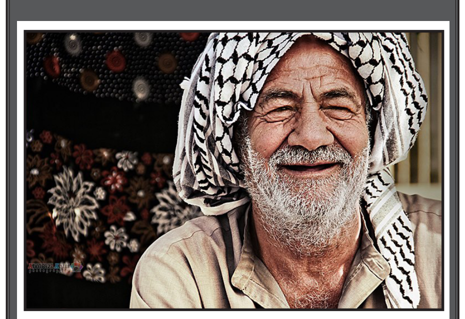
در روز ششم خرداد سال جاری عده ای از جوانان بومی شهرستان عسلویه که دارای تحصیلات کاردانی، کارشناسی و کارشناسی ارشد بودند در اعتراض به بیکاری گسترده ی جوانان بومی و برای پیگیری مستقیم این معضل اجتماعی دست به تجمعی همراه با آرامش و سکوت در محل ساختمان شهید تندگویان سازمان منطقه ی ویژه اقتصادی انرژی پارس جنوبی زدند.
در این تجمع که جوانان جویای کار دارای مدرک تحصیلی دیپلم نیز در آن حاضر بودند، مقرر گردید که پس از اعلام حضور مسولان بلند پایه ی سازمان منطقه ویژه، نمایندگان این جوانان با آنان به مذاکره بپردازند. در غیاب مهندس نصوری ریاست منطقه ی ویژه، رضاعلی سرپرست حراست ارشد سازمان و حجت الاسلام حاجیانی مدیریت کار و امور اشتغال و حیاتی سرپرست اشتغال مدیریت کار وخدمات اشتغال منطقه ی ویژه و کشاورز، بردبار، هلالی، عباسی و دهشته به نمایندگی از جوانان حاضر در تجمع، جلسه ای جهت انجام مذاکرات منعقد گردید.
در این جلسه لیستی حاوی نام بیش از پنجاه نفر از جوانان دارای مدرک تحصیلی کاردانی و بالاتر تقدیم مسولین محترم شد و مقرر گردید که هر ماه حدود ده نفر از این جوانان با توجه به تخصص مورد نیاز شرکت های مستقر در منطقه و با فشار مضاعف مسولین امر، استخدام شوند. همچنین با درخواستی که جوانان مطرح نمودند قرار شد در هر ماه جلسه ای برای بررسی پیشرفت نتایج این تجمع برگزار شود.
اکنون و پس از سپری شدن هفت ماه، بیش از سی نفر از آن جوانان جویای کار استخدام گردیده اند. ازمیان حدود پانزده نفر باقیمانده، عده ای اندک انگیزه ای جهت پذیرفتن برخی از شغل های پیشنهادی نشان نداده اند، و متاسفانه تعدادی حدود هفت تا ده نفر هنوز باوجود پیگیریهای شخصی خودشان موفق به یافتن شغلی نشده اند. این پیام را جهت پاسخگویی به برخی از همشهریان عزیز نوشتم که در گوشه و کنار اظهاراتی بر علیه نمایندگان جوانان حاضر در آن تجمع ابراز می کنند.

اندیشه ورزان برنا



ما که تحمل یه گلو درد ساده رو نداریم و نا شکری می کنیم ...
***
تو چطور بیشتر از ۲۰ سال این سرفه ها رو که کدومش سینت رو میسوزنه ,تحمل کردی ؟؟
.....
به امید سلامتی همه جانبازهای ایران زمین . .

سخنان خواندنی



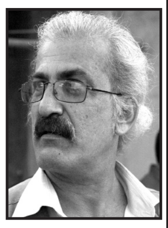
* هرروز صبح که از خونه میام بیرون احساس اصحاب کهف بهم دست می‌ده. با پولایی که دیروزش گذاشتم جیبم هیچ‌کاری نمی‌شه خرید.
* بزرگترین مصیبت برای یک انسان این است که نه سواد کافی برای حرف زدن داشته باشد و نه شعور لازم برای خاموش ماندن ...
* خیـلی بده احـساس کـنی مثل دارویی و فقط وقت نیاز ازت استفاده کنند ...
* بعضیها با بودنشان به ما ثابت می کنند "تنهایی" چه نعمت بزرگیست...
* همدیگر را دور میزنیم تا زودتر به مقصد برسیم، غافل از اینکه زمین گرد است و باز به هم خواهیم رسید!
* انسان باید ' شرافت ' داشته باشد، نه ' شر ' و ' آفت ' ...!
* حسود ها شایعات را می سازند ، علاف ها به آن پر و بال می دهند ، ابله ها هم آن را می پذیرند.
* بچه که بودیم شبها فکر میکردیم فردا چه بازی کنیم. الان شب فکر میکنیم، فردا زندگی قراره چه بازی ای باهامون بکنه...
* گذشته ات را بدون هیچ تاسفی بپذیر بااعتماد.زمان حالت را بگذران. بدون ترس برای آینده آماده شو.
* مهم این نیست که قشنگ باشی .قشنگ این است که مهم باشی! حتی برای یک نفر.
* هزار کلمه بر جای خالی ات ریختم اما پر نشد، به گمانم از جنس بی نهایتی
* نقش یک درخت خشک را در زندگی بازی میکنم. نمیدانم که باید چشم انتظار بهار باشم یا هیزم شکن پیر...
* درصد کمی از انسانها نود سال زندگی می کنند، مابقی یک سال را نود بار تکرار می کنند.

هر بامداد آهویی از خواب بر میخیزد و میداند که از تندترین شیر باید تندتر بدود، وگرنه کشته خواهد شد
هر بامداد شیری از خواب بر میخیزد و میداند از تندترین آهو باید تندتر بدود ، وگرنه از گرسنگی خواهد مرد
فرقی ندارد آهو باشی یا شیر ، آفتاب که برمیآید آماده دویدن باش . . .

نقد

سخنی با سازمان میراث فرهنگی و جهانگردی استان بوشهر

حضور ضعیف بوشهر در جشنواره ملی صدای عشایر



پرویزهوشیار: دوشنبه ای از روزهای دهه فجر که جشنواره ای با حضور کلیه استان های کشور در نمایشگاه بین المللی تهران یرگزار می شد و بنا به اعلام نظر روابط عمومی سازمان میراث فرهنگی و جهانگردی استان بوشهر، آن دوشنبه "روز بوشهر" نامگذاری شده بود برای دیدن جشنواره عزم خود را جزم کردم . دوشنبه با آغاز به کار نمایشگاه بین المللی به نمایشگاه رفتم تا از نزدیک با فرهنگ عشایر و مردم مناطق مختلف کشورم بیشتر آشنا شوم و در فرصت به دست آمده با هم استانی هایم دیدار کرده و بتوانم مقایسه ای گذرا از چگونگی غرفه های سایر استان ها با استان بوشهر داشته باشم. چند نفر از دوستان غیربوشهریم که همچون من در تهران ساکن بودند همراه خودم به نمایشگاه بردم، سعی کردم تا آنجا که وقت و توان اجازه می دهد از بیشتر غرفه ها دیدن کنم ، امکانات



، توانمندی ها و ابزار و ابتکار و خلاقیت هائی که نیروهای سازمان میراث فرهنگی و جهانگردی هر استان برای نمایش بهتر فرهنگ ، مراسم و آداب و سنن استان خو د به کار برده اند را نظاره کنم و اطلاعات شفاهی و مکتوب از آنها بگیرم و در آخر به غرفه استان خودمان که همواره برایش دل سوزانده و می سوزانم بروم و اگر لازم بود مطلبی در این رابطه نوشته و جهت اطلاع همشهری ها برای چاپ به هفته نامه نسیم جنوب بدهم. آغاز سخن را با دیدار از غرفه صنایع دستی استان شروع می کنم، غرفه صنایع دستی به گونه ای آراسته شده بود که از نظر زیبائی شناختی هیچ جاذبه ای برای جذب بازدید کننده نداشت، چند ماهی خشک شده و لوازم تهیه شده از گوش ماهی و محصولات و کارهای ساخته شده از برگ درخت خرما و... در غرفه آنقدرغیر حرفه ای و غیر کارشناسانه چیده شده بود که ازسر تا پای آن فقر ، بی برنامه گی و نبود مدیریت کارآمد می بارید، کارها بیشتر برای رفع تکلیف و باری به هرجهت ارائه شده بود ، مدتی کوتاه کفایت می کرد تا هر بیننده به کج سلیقگی و بی مسئولیتی برنامه ریزان تیم اعزامی پی ببرد. در دیداری که از غرفه دیگر بوشهر داشتم بیشتر در این باره توضیح می دهم . آنقدر غرفه صنایع دستی محقر و فقیر بود که من نتوانستم هیچ دفاعی از شهرم و صنایع دستی آن در مقابل دوستان غیر بوشهریم داشته باشم. عطای غرفه صنایع دستی استان را به لقایش بخشیدم و به طرف غرفه دیگر بوشهر حرکت کردم، در مسیر، عشایر و هنرمندان سایر استان ها در محوطه ی نمایشگاه با سازها و رقص محلی خود به زیبائی تمام هنرنمائی می کردند (جای موسیقی محلی استان ما که جاذبه ای زبانزد دارد؛ در این فستیوال که بیرون از سالن های نمایشگاه و در فضای باز اجرا می شد خالی بود) .
به سالن شماره هفت که محل استقرار بخش اصلی گروه های اعزامی استان بود رسیدم، هر چه گشتم از غرفه بوشهر خبری نبود، بالاخره در انتهای سمت راست سالن دوتا چادر، اریش ، کپر، خیمه (یا هرچه دلتان خواست می توانید بنامید) بر پا کرده بودند و تعدادی خانم با پوشش معمولی و متعارف عموم جامعه، وقت می گذراندند. یکی "پاکورا" درست می کرد و به بازدید کنندگان می فروخت، دیگری خرما و ارده می فروخت و خانمی دیگر قلیه و للک تعارف می کرد و در بساطی که بساطی نبود به مقداری کم رنگینک هم دیده می شد. تعدادی زن و معدودی مرد برخی در پوشش خاص و بقیه در پوشش معمولی بی هدف این سو و آن سو می رفتند و هیچ علامتی و یا بروشور، نقشه بوشهر و نمایشگاه و اطلاعات در باره جشنواره نداشتند که حد اقل راهنمای بازدید کنندگان باشد .به نظرم اکثر نیروهای اعزامی به درستی توجیه نشده بودند و تنها آمدن به جشنواره و تهران و مسافرت و حق ماموریت یا حق الزحمه، آنها را به نمایشگاه کشانده بود، حتما بابت این کار بزرگ! و محیر العقول هم کلی هزینه به سازمان تحمیل گردیده بود. به نظرمن در شکل ساده ی آن میشد با چند مغازه دار و فروشنده محصولات استان قرار داد بست و از درآمدشان، هزینه های آنها را سرشکن کرد و نتیجه ی بهتر هم گرفت. تعدادی خانم جوان با لباس های ویژه ی پر زرق و برق بدون هماهنگی قبلی با نمایشگاه برای نمایش بازی های محلی استان همراه گروه اعزامی بودند که از همان ابتدا مسئولین نمایشگاه آب پاکی روی دست آنها ریخته و مجوز نمایش بازی ها را به آنها نداده بودند، ناگزیر تیمی که این همه مسافت با هزینه ای قابل توجه به جشنواره آمده بودند، به علت ناهماهنگی دست اندر کاران سازمان، عاطل و باطل وقت می گذراندند. مطلب خسته کننده می شود و گرنه اگر قصد بازگوئی تک تک ناهماهنگی ها، کاستی ها و کمبودها را داشتم، باید مطلبی مفصل به اندازه کتابی بنویسم. همانطور که قبلا گفته شد نه بروشوری نه نقشه ای نه عکسی و نه فیلمی و ویدوئو پروجکشنی برای نمایش زیبائی های استان. استان های محرومی چون استان کهکیلویه و بویر احمد ، سیستان و بلوچستان و استان ایلام و... برنامه های خود را خیلی بهتر و مفصل تر از استان ما به نمایش گذاشته بودند.
واقعا اگر گروه موسیقی محلی اعزامی، در کنار غرفه اجرا ی موسیقی محلی نداشت و مجری خوب برنامه با هنرمندی خود بازدید کنندگان را برای گوش دادن به موسیقی محلی دعوت نمی کرد و هنرمند خوب آقای مقاتلی و گروه همراهش با تمام توان هنر خود را در سازهایشان به گوش مردم حاضر نمی رساندند، کمتر کسی متوجه میشد که بوشهر هم در جشنواره غرفه دارد. در هیچ سایت و روزنامه ای اطلاع رسانی نشده بود و اگر خبر رسانی انجمن بوشهری های مقیم تهران نبود شاید به اصطلاح خانی می آمد و خانی می رفت و هیچکس خبر دار نمی شد.
در پایان آنچه در ذهن من به عنوان یک سوال و معما باقی مانده اینست که، اولا مگر استان ما عشایری دارد که قشلاق و ییلاق می کنند؟ و اگر دارند مسیر قشلاق و ییلاق آنها کجاست (امیدوارم عشایر قشقائی که از فیروز آباد و آباده در زمستان به استان ییلاق می کنند به عنوان عشایر منطقه ی ما به حساب نیایند)، دوما در حالیکه امکانات و یا مدیریت توانمند در شکل دادن یک برنامه که بتواند به نحو احسن زیبائی ها و پیشرفت ها و جایگاه حقیقی استان را به نمایش بگذارد نداریم، چرا باید در نمایشگاه شرکت می کردیم؟ چون عدم شرکت در نمایشگاه به گونه ای که من دیدم خیلی بهتر از شرکت به این شیوه است.

ورزشی

شماره ۶۹۲ - یک شنبه ۶ اسفند ۱۳۹۱
NASIM JANOUB

محمود آرامش سرمربی تیم شاهین بندر عامری:

جوانان بوشهر توانایی و لیاقت خود را نشان دادند



محمود آرامش سرمربی تیم شاهین بندر عامری در گفتگویی با سایت شاهین ایران گفت: این رقابت ها با تیم های خوبی مثل تراکتورسازی تبریز ، نفت آبادان و پرسپولیس قائمشهر برگزار شد واز کسانی که کمک کردن مسابقات مرحله دوم لیگ امیدهای دسته اول به میزبانی بوشهر برگزار شود تشکر می کنم .

وی در ادامه بیان کرد : این مسابقات باعث شد جوانان بوشهر هم توانایی و لیاقت خود را نشان دهند تا بیشتر به آنها بها داده شود . شرکت در این مسابقات تجربه خوبی برای بازیکنان بود.

سرمربی شاهین بندر عامری خاطر نشان کرد : تیم شاهین هم لیاقت لیگ برتری شدن را داشت و در بازی اول با تراکتورسازی هشتاد درصد بازی در دست بازیکنان ما بود و موقعیت های زیادی روی دروازه حریف ایجاد کردیم ولی متاسفانه در دقایق آخر دروازه ما باز شد .

وی گفت : بازیکنان ما هم کم تجربه وجوان بودند و همین عدم تجربه باعث شد بازی بعدی که با نفت آبادان داشتیم بازیکنان از روحیه خوبی برخوردار نباشند ولی در مورد بازیکنان تیم نفت هم مشکوک هستیم ، بازیکنان تیم نفت که روز قبل هم با تراکتور سازی تبریز مسابقه داشتند در روز بازی با شاهین دودنگی زیادی داشتند که ما روی این مسئله مشکوک بودیم . اگر ما روز اول با تراکتور سازی برنده از زمین خارج میشدیم می توانستیم به عنوان تیم اول یا دوم گروه صعود کنیم که متاسفانه صعود نکردیم و به هر حال فوتبال است و زیبایی آن در همین اتفاقات نهفته است .

سرمربی تیم شاهین بندر عامری افزود : امیدواریم با یاری خدا در سالهای بعد از این تجربیات استفاده کنیم و با کمک مسئولان بتوانیم به بازیکنان جوان بوشهری شخصیت ببخشیم و در جهت اعتلای فوتبال بوشهر گام برداریم .

مسئولان ومربیان بوشهر هم با میدان دادن و اعتماد به بازیکنان بومی که در شهرها و روستاهای استان هستند می توانند آینده فوتبال بوشهر را با هزینه کمتری تضمین کنند و بازیکنان بیشتری را به فوتبال تزریق کنند .

سرمربی شاهین بندر عامری ضمن قدردانی از هواداران این تیم خاطر نشان کرد : هواداران فهیم تیم شاهین بندر عامری هم یکی از دلایل موفقیت تیم ما بودند و همیشه در کنار تیم حضور داشتند و واقعا یار دوازدهم تیم شاهین بودند . یکی دیگر از دلایل موفقیت این تیم انسجام و همدلی بین کادر فنی ، مسئولان تیم و بازیکنان بود و از همکارانم آقایان زایر ابراهیمی ، صفدری نیا و احمدی هم تشکر می کنم.

نمی خواهیم که همیشه سهم مان از فوتبال گریه و اشک و آه باشد

حمید حیدری

مجموعه ایرانجوان و شاهین از مدیرعامل گرفته تا سایر عوامل و حتی هواداران باید بدانند که سال هاست در فوتبال بوشهر به یک سمبل و الگو مبدل شده اند. پیروزی های آنان سبب شادی و تحرک و شکستشان مایه افسردگی و اندوه هم استانی های عزیز می باشد.

چه بخواهیم و چه نخواهیم، این معنی فوتبال است. ورزشی که امروز وارد زندگی مردم شده است، هم می خنداند و هم می گرایند. مردم بوشهر نمی خواهند که همیشه سهمشان از فوتبال گریه و اشک و آه باشد. تا چه زمان می توان پذیرفت که فوتبال بوشهر آماتوری است. در جامعه ای که از در و دیوارش جواهر می بارد و از منابع عظیم نفت و گاز سرشار می باشد، انتظاری بیش از این می رود. باید نقاط ضعف را در وجود خودمان جست و جو کنیم. متأسفانه باید گفت هنوز که هنوز است دست اندرکاران ورزش استان معنای حرفه ای گری را نیاموخته اند! وقتی صحبت از مدیرعاملی دو باشگاه پیش می آید، تعبیرات و تحریفات گوناگون و از منابع مختلف با سلایق خاص شنیده می شود. فلانی به این دلیل که امتیاز تیم دیگری را خریداری و تیم استان را به جای آن جا زده، پس مدیر عامل خوبی است!!



آن شخص شاخص به دلیل اعتبار سیاسی خویش و فرد دیگر به دلیل تزریق منابع مالی به باشگاه سپیدپوشان، اینان مدیران عاملی هستند که می خواهند چرخه حرکت دو باشگاه پرطرفدار بوشهری را به سر منزل مقصود هدایت نمایند!

حرفه ای گری یعنی بهره مندی از نیروهای انسانی مفید، لایق و با توان بالا در تمامی زوایای یک باشگاه است.

زمانی که مدیرعامل زیر و بم فوتبال را بشناسد، شادی و غم فوتبال را درک کند و دلایل پیشرفت و پسرفت فوتبال را بفهمد، آن وقت است که تازه گام در مرحله حرفه ای بودن گذرانده ایم. چنین مدیری قادر است که یک مربی با دانش و کاربلد، بازیکنان لایق، هوادار شایسته و به طور کل یک مجموعه کامل فرهنگی و ورزش شاخص را گردآوردی نماید. در این صورت یک باشگاه معنا و شکل یافته و رشد می کند. زمانی که تمامی امکانات و وسایل در جای خود قرار گیرد، بدنه یک باشگاه کامل شده است. در چنین ساختاری اگر یک سال نیز نتیجه ای عاید نشود، مربی و بازیکنان با یک شکست، اخراج و محو نمی شود.

بیایید و با خودتان و مردم رو راست باشید. مسئولین شاهین و ایرانجوان تا زمانی که تکلیف خود را با خودشان روشن نکرده اند، این سیر نزولی هم چنان بر این دو باشگاه سایه خواهد افکند و اگر خواهان پیشرفت به مراحل بالاتر هستید، با این اسباب و شرایط به جایی نخواهد رسید و چنان چه از همین جایگاه فعلی رضایت دارید، مسیر مهیاست.

قابل توجه مسئولان ورزشی استان؛

آیا با اهداء پراید می شود ورزش همگانی را رونق داد؟

سپاس: برگزاری پیاده روی های همگانی در شهرهای مختلف کشورمان مراسمی است که فدراسیون ورزش های همگانی هر ساله بارها در نقاط مختلف کشور برگزار می کند تا به نوعی به افزایش علاقمندان ورزش های همگانی کمک کرده و مردم را به ورزش ترغیب کند.

در روز جمعه اهالی ورزش های همگانی و تلویزیون ملی به استان بوشهر سفر کردند تا از پیاده روی خانوادگی بوشهر تصویر بگیرند و از چند روز گذشته نقل محافل شهر جایزه های این مسابقه بود که مهم ترین آن ۳پراید اهدایی به شرکت کنندگان بود.

حال روی سخنمان با آقایانی است که می خواهند با اهداء پراید ورزش همگانی را رونق دهند آیا جایزه شما حتی توان این را دارد که یک نفر را هم به پیاده روی راغب کند؟ معلوم است که نه، چون اهدای پراید یعنی فردی که با پای پیاده و دوچرخه سفرهای شهری را انجام می داده با خودرو تردد کند.

اهداء چنین جایزه هایی نه باعث رونق ورزش های همگانی می شود و نه برای محیط زیست مفید است بلکه فقط ایجاد یک فضای رسانه برای فدراسیون ورزش های همگانی است. پس نکوتر آن است که مسئولین ورزش های همگانی به جای اهداء ۳ پراید و چند جایزه غیر مرتبط صدها دوچرخه و وسایل ورزشی اهداء کنند تا به رونق ورزش های همگانی کمک کرده باشد یا اینکه با کمک به شهرداری شهرهای کوچک و بزرگ، ایستگاه های دوچرخه را در شهر افزایش دهند.

یک هوادار واقعی

محسن قیصی زاده : دقایقی از بازی تیم‌های شاهین و پارسه می‌گذشت و من با عجله در حال ورود به ورزشگاه بودم که با دیدن مرد نابینایی که دست در دست مأمور نیروی انتظامی داشت، لحظه‌ای درنگ کردم. مأمور نیروی انتظامی فکر می‌کرد مرد نابینا به اشتباه وارد ورزشگاه شده و مقصدش جای دیگری‌ست، و آن مرد اصرار داشت که به خاطر بازی شاهین آمده است. بالاخره مأمور نیروی انتظامی آن مرد نابینا را به دست یکی از تماشاگران سپرد تا او را به سوی سکوها همراهی کند. البته این صحنه برای من عجیب نبود، زیرا قبل از آن یک شاهینیِ دوآتشه به نام "حراجی" را می‌شناختم که نابینا بود و پر و پاقرص‌ترین تماشاگر همیشه حاضر بازی‌های تیم محبوبش. یادش بخیر، آلاسکا می‌فروخت و من و برادر کوچکم مشتری دایم آلاسکاهای نه چندان بهداشتی‌اش بودیم.

جوانان بوشهری شاهین در غربت غریب عدم استقبال چشمگیر بازی از سوی همشهریان و هم‌استانی‌هایشان بازی را به پایان رساندند. سهم آنها از آن همه تشویق‌ها و هیاهویی که تا پیش از این برای بازیکنان غیر بومی مرکزنشین سر داده می‌شد، جز سکوت سکوهای خالی چیزی نبود.

در حال خروج از ورزشگاه باز هم صدای همان عصا توجهم را جلب کرد. همراهی نداشت و دور از جوانمردی دیدم که بی‌تفاوت از کنارش بگذرم. به طرفش رفتم و او را به دست برادرزاده‌ام سروش سپردم تا ماشین را بیاورم و او را به مقصدش برسانم.

خوش‌صحبت بود؛ با این وضعیت، از روستای احمدی این همه راه زده بود تا به بازی شاهین برسد. می‌گفت اگر نمی‌توانم از نظر مالی به تیم استانم کمک کنم حداقل می‌کوشم با حضور خود در ورزشگاه باعث دلگرمی بازیکنان شوم.

"عقیل گلاف" از ۱۸ سال پیش می‌گفت؛ وقتی که هنوز تومور مغزی باعث نابینایی‌اش نشده بود. بازی ۵ بر صفر ایرانجوان برابر پرسپولیس و حضور عابدزاده با تام اصفهان و... را به چشم دیده و البته هلهله‌ی تماشاگران هنگام موفقیت‌های شاهین را همنوا شده و از این همه، برد ۴ بر ۱ برابر پرسپولیس بیش از همه به دلش چسبیده بود. او را به ترمینال مینی‌بوس‌ها رساندم. مینی‌بوس جا نداشت و مجبور بود روی کرسی کوچکی وسط راهروی مینی‌بوس بنشیند.



در شرایطی که خیلی از همشهریان زحمت حضور در ورزشگاه را به خود نمی‌دهند و رفقای روزهای خوش، شاهین را در بدترین روزها و زمانی که به حضور آنها نیاز دارد تنها گذاشته‌اند، غیرت و احساس مسؤولیت "عقیل گلاف" نسبت به تیم مورد علاقه‌اش تحسین برانگیز است.

راستی، مغز عقیل هنوز هم میزبان آن تومور لعنتی است!

شاهین؛ از دکتر رضوی تا علی نعمتی



علیرضا احمدپور: قصه های پر فراز نشیب و تلخ و شیرین شاهین در سالیان اخیر قصه های هزار و یک شب است.

این تیم همواره در یک دهه گذشته افراد مختلفی را دور و بر خود دیده است که می توان نقطه عطف و اوج آن را حضور شجاعانه و دلسوزانه دکتر رضوی مدیر وقت سازمان منطقه ویژه پارس دانست که با حمایت های موثر و به موقع خود شاهین در فصل ۸۸-۸۷ به لیگ برتر رسید .

اما شاید بتوان گفت نقطه افول شاهین دقیقا از فردای همان روز صعود آغاز شد؛ جایی که در اقدامی سیاسی دکتر رضوی را از پارس جنوبی و شاهین دور کردند...

پس از رفتن دکتر رضوی، شاهین به غیر از مقطعی البته بطور نسبی در زمان مدیریت مجید حسینی کنگانی دیگر هیچگاه روی آرامش را به خود ندید. تغییرات گسترده مدیریتی و کادر فنی، رفت و آمدهای بازیکنان بعضا ناکارآمد، روز به روز شاهین را به لبه پرتگاه کشاند.

از سوی دیگر باشگاه شاهین نیز دارای تشکیلات اداری قوی و منسجمی نبود و در همین اوضاع و احوال ورود علی نعمتی که یکی از فروشندگان موتورسیکلت در شهر بوشهر بود داستانهای قضایی و پلیسی هم وارد قضایا کرد.

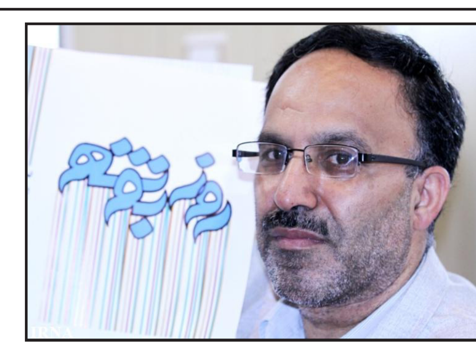
بی تدبیری و بی برنامگی تا جایی بود که بانک صادرات با آن همه وسعت تبلیغاتی برای بردن شاهین به ترکیه دست به دامان علی نعمتی شد و مبلغ ۵۲ میلیون از نعمتی قرض کرد؛ پولی که هنوز هم علی نعمتی موفق به دریافت آن نشده است. از همان موقع می شد پیش بینی کرد دوران افت این تیم مردمی شدت خواهد گرفت . و حالا پس از این همه فراز و نشیب باشگاه شاهین با شصت سال قدمت و با آن همه پیشکسوت و با تمام احترامی که برای علی نعمتی قائلیم ولی در تنهایی وی، بی سرانجام مانده است.

حال باید پرسیدکه پیشکسوتان شاهین کجایند؟ و شاهین را چه می شود؟

جزئیات پنجمین دوره بزرگداشت "۱۸ اسفند" اعلام شد:

پاسداشت همایون خرم در روز بوشهر

تجلیل از ۳ چهره ماندگار امسال بوشهر



جزئیات برنامه های پنجمین دوره بزرگداشت ۱۸ اسفندماه روز بوشهر اعلام شد.

به گزارش «خلیج فارس»؛ دبیر این آئین در جمع خبرنگاران حاضر شد و جزئیات برنامه های امسال شهرداری و شورای شهر به مناسبت بزرگداشت روز بوشهر را اعلام کرد.

گفتنی است شورای دوم شهر ۱۸ اسفندماه مصادف با تاسیس مدرسه تاریخی سعادت را به عنوان روز بوشهر برگزید؛ اما از سال ۸۷ برگزاری مراسم هایی به این مناسبت آغاز شد.

مشکلات مالی شهرداری به روز بوشهر هم رسید

صدرالله محمدی باغملایی ابتدا از تغییراتی در برنامه های گرامیداشت روز بوشهر خبر داد و دلیل آن را مشکلات مالی شهرداری دانست.

وی افزود: هرچند این مشکل بر کمیت برنامه ها اثر گذاشته، اما با نگاهی به ضعف و قوت دوره های گذشته، تلاش شده به شاکله اصلی مراسم روز بوشهر ضربه وارد نشود و برنامه ها شایسته نام تاریخی این شهر باشد.

تغییر محل جشن های شبانه

وی همچنین از تغییر محل برگزاری جشن های شبانه روز بوشهر خبر داد و گفت: سال های گذشته جشنواره تفریح و ورزش به همراه جشن های شبانه در پارک شورا برگزار می شد، اما به دلیل مشکلاتی که تغییر شرایط جوی این ایام برای محل برگزاری مراسم ایجاد می کرد، امسال سالن آزادگان در ساحل بوشهر میزبان این برنامه ها خواهد بود.

محمدی باغملایی افزود: با ایجاد غرفه های سرگمی و ورزش هایی نظیر فوتبال دستی، دارت، پینگ پنگ و نظایر آن به همراه جشن های شبانه و کنسرت گروههای موسیقی محلی و ملی در این محل، تلاش شده فضایی شاد برای خانواده ها فراهم شود.

به گفته وی جشن های شبانه در این محل از ۱۱ تا ۱۸ اسفند برگزار می شود.

پاسداشت همایون خرم

وی پاسداشت همایون خرم را از دیگر برنامه های روز بوشهر اعلام کرد و افزود: دو سال پیش به مناسبت ۱۸ اسفند از این چهره برجسته موسیقی کشور در زادگاهش تجلیل شد و امسال به بهانه چهلمین روز درگذشت وی، با حضور خانواده ایشان، آئین نکوداشت خرم برگزار می شود.

محمدی باغملایی ادامه داد: رایزنی های لازم برای حضور چهره ای مطرح از خانواده موسیقی در این مراسم انجام شده که محمد اصفهانی از آن جمله می باشد.

وی با بیان اینکه مراسم روز ۱۴ اسفند در مجتمع فرهنگی هنری بوشهر برگزار خواهد شد، اظهار داشت: رونمایی از آلبوم های جدید موسیقی محلی به خوانندگی محسن حیدریه و عبدالله مقاتلی از دیگر برنامه های بزرگداشت روز فرهنگ و هنر بوشهر می باشد. همچنین برخی آثار همایون خرم توسط انجمن موسیقی بوشهر در این مراسم اجرا می شود.

تجلیل از دو فیلمساز بوشهری

وی افزود: تجلیل از افتخارآفرینان فرهنگی و هنری با حضور برخی چهره های سینمایی به مناسبت ۱۸ اسفند برگزار می شود.

محمدی باغملایی گفت: در این آئین از رامتین مرادی بالف برنده سیمرغ بخش مستند سی و یکمین جشنواره فیلم فجر به همراه احسان عبدی پور دیگر بوشهری حاضر در این جشنواره تجلیل می شود.

اکران "تنهای تنها..." در نوروز

وی درباره اینکه گفته می شود قرار است آثار این دو فیلمساز به مناسبت روز بوشهر اکران شود؟ بیان کرد: اکران "رودخانه لیان" برنده سیمرغ فجر قطعی شده است.

وی ادامه داد: اما چون امتیاز پخش فیلم "تنهای تنهای تنها" اثر احسان عبدی پور به حوزه هنری واگذار شده، اجازه اکران آن را نیافتیم و احتمالا عید نوروز در سینماهای کشور به نمایش در می آید. با این حال در تلاش هستیم تا بخش هایی از این فیلم در مراسم به نمایش درآید.

وی خاطرنشان کرد: این مراسم ۱۶ اسفندماه در سینما بهمن برگزار می شود.

پخش اختصاصی "هیس- دختران فریاد نمی کشند" در بوشهر

دبیر آئین های بزرگداشت روز بوشهر همچنین از اکران اختصاصی فلیم "هیس... دختران فریاد نمی کشند" به مناست ۱۸ اسفند خبر داد.

محمدی باغملایی با یادآوری اینکه فیلم مذکور ساخته پوران درخشنده به عنوان اثر منتخب تماشاگران، توانست سیمرغ جشنواره فجر را دریافت کند، افزود: علاوه بر کارگردان، مریلا زارعی بازیگر فیلم نیز در بوشهر حضور خواهد یافت.

کارگاه فیلم در بوشهر

به گفته وی، فاطمه معتمدآریا نیز در این ایام در سفر به بوشهر، در کارگاه فیلم با حضور علاقمندان شرکت می کند.

۳ چهره ماندگار امسال

یکی از مراسم های روز بوشهر طی ۵ دوره گذشته، معرفی و تجلیل از چهره های ماندگار و شهروند افتخاری می باشد.

صدرالله محمدی باغملایی گفت: امسال دکتر عبدالرسول مهرسای از پزشکان بومی و متخصص کلیه، دکتر عبدالکریم مشایخی رییس بنیاد ایران شناسی شعبه بوشهر به پاس خدماتش در زمینه معرفی تاریخ این شهر و علیرضا مظفری زاده از مبارزین قبل از انقلاب و فعالان سیاسی پس از آن به عنوان چهره های ماندگار تجلیل خواهد شد.

شهروند افتخاری امسال

وی ادامه داد: همچنین امسال دکتر احمد اقتداری از چهره های مطرح باستان شناسی کشور به پاس خدماتش در بوشهر و خلیج فارس به عنوان شهروند افتخاری معرفی می شود.

به گفته وی، این مراسم روز ۱۸ اسفند در مجتمع فرهنگی هنری بوشهر برگزار خواهد شد.

رالی خانوادگی در بوشهر

یکی دیگر از برنامه های امسال روز بوشهر رالی خانوادگی است.

محمدی باغملایی می گوید: هدف از این مسابقه حضور حداقل ۲ عضو خانواده و بکارگیری هوش برای رسیدن به مقصد است. مسابقه نیز صبح ۱۸ اسفند از ساختمان مرکزی شهرداری آغاز می شود و خودروها عبور از محل های مختلف شهر، به خط پایان می رسند.

به گفته وی نام نویسی برای این مسابقه با هر نوع خودرویی تا دوشنبه آینده ادامه دارد، ضمن اینکه با رسیدن به سقف ۵۰ شرکت کننده، نام نویسی خاتمه می یابد.

رونمایی از تندیس سرداران شهید

دبیر آئین های بزرگداشت روز بوشهر خبر داد: از تندیس شهید عاشوری و سردار شهید ماهینی، گرد، مهدوی و بشکوه رونمایی می شود. ضمن اینکه در خیابان هایی که به نام این شهداست یا محل های زندگی آنها، تندیس ها نصب می شود.

انتشار کتاب مشاهیر بوشهر

وی خبر داد: کتاب مشاهیر بوشهر به مناسبت ۱۸ اسفند رونمایی می شود. هدف از این کتاب، ایجاد بانک اطلاعاتی از مشاهیر استان در حد یک شناخت نامه از این چهره ها است که جلد اول شامل ۱۲۰ نفر می باشد.

به گفته وی این کتاب زیر نظر دکتر احمد جولایی از پژوهشگران بوشهری تدوین شده است.

سایر برنامه های بزرگداشت ۱۸ اسفند

صدرالله محمدی باغملایی درباره سایر برنامه هایی که در پنجمین دوره بزرگداشت روز بوشهر برگزار می شود، اظهار داشت: سومین دوره جشنواره روزنامه دیواری با عنوان اخلاق شهروندی برگزار و از دانش آموزان برتر تقدیر می شود.

همچنین اجرای تئاترهای خیابانی و عروسکی در محل سالن آزادگان، تولید دومین مستند چهره های ماندگار، تدوین و انتشار ویژه نامه روز بوشهر از دیگر برنامه ها به این مناسبت می باشد.

روز بوشهر رویدادی فرهنگی شده

صدرالله محمدی باغملایی در بخشی از سخنانش گفت: با هم اندیشی و هماهنگی هایی که میان فرهیختگان و شورای شهر، شهرداری و سازمان فرهنگی ورزشی شهرداری وجود داشته، به استقبال پنجمین دوره بزرگداشت آئین های ۱۸ اسفند می رویم.

وی ادامه داد: خوشبختانه امروز مراسم های ۱۸ اسفند به اتفاقی فرهنگی در شهرمان مبدل شده، هرچند ایده ما این است که با برگزاری جشنواره های فرهنگی هنری در سطح ملی، این روز را در سطح کشوری نیز بیشتر معرفی کنیم.

وی ادامه داد: سال گذشته دو سالانه داستان نویسی به نام روز بوشهر و در گستره ملی برگزار شد و امسال نوبت جشنواره عکس و فیلم بود و حتی به مرحله چاپ پوستر هم رسیدیم، ولی مشکلات مالی شهرداری اجازه برگزاری آن را نداد. با این حال امیدواریم سال آینده جشنواره داستان نویسی برگزار شده و بتواند به تدریج در تقویم مراسم های فرهنگی و هنری کشور جا بگیرد.



هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی
نسیم جنوب
nasimjonoub.com

صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
مدیر مسئول و سردبیر: یونس قیصی زاده
مدیر گرافیک : میثم قیصی زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس،
کوچه بوستان ۳۰ (جانباز)، دفتر نسیم جنوب
تلفن: ۲۵۲۵۹۰۰ فاکس و پیامگیر: ۲۵۲۸۱۵۱
ایمیل: info@nasimjonoub.com
صندوق پستی ۱۱۹۹
لیتوگرافی و چاپ: کارگر



بوشهر و لنگرگاهانش

بوشهر دو لنگرگاه بسیار محدود داشت که تا حدودی پوشش و پناهگاهی بودند در برابر باد غالب که همان باد شمال غربیست . پناهگاه اول در فاصله ۴ تا ۴٫۵ کیلومتری و پناهگاه دوم در ۱۰ کیلومتری ساحل قرار داشت . راه دسترسی به این پناهگاهها باریک و کم عمق و ارتباط با کشتی ها از طریق بندر به سمت لنگرگاه و برگشت ، بسیار کند بوده است. در بعضی اوقات به دلیل باد شمال غربی شدید ، ارتباط به مدت چندین روز به طور کلی قطع می شده است. بعد از غروب آفتاب پهلوگیری «تشاله ها» در کنار کشتی ها در لنگر گاه میسر نبوده؛ از طرف دیگر حمل کالا ها به بندر بوشهر نیز منوط به بازرسی سیاهه ی کالا (مانیفست) توسط حاکم بندر بوشهر بود. این بدان دلیل بود که تخلیه، بارگیری و حمل کالا ها در انحصار «حمال باشی» قرار داشت که متولی امور باربری در بندر بوشهر بود .

* تشاله = لنج های کوچک محلی بودند که برای حمل بار از کشتی های بزرگ و رساندن آن به لنگرگاه مورد استفاده قرار میگرفتند.

منبع : کتاب بوشهر دروازه تجاری ایران در خلیج فارس/ اثردکترویلم فلور/ ترجمه غلامعلی تمهید



اهرم

شعری از مرحوم عباس محمد زاده اهرمی

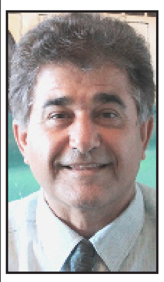
ای فِکنده سر به غم از دوری گلزار، زار
رو به اَهرم آر و گیر از باغ شکّر بار، بار
ای خوشا آنکس که در این خطه آزاد، زاد
چون نمایان در صدف شد، گوهر شهوار، وار
می کند "اوبای" معروفش دل ناشاد، شاد
نیست در باغات آن از صوت ناهنجار، جار
در تفرّج می فزاید چشمه ی باهوش، هوش
باز خواهی یافت بین مردمش، بسیار، یار
میوه ی خرمای آن بنما تناول چنگ، چنگ
گر چه رنج آرد تو را ، از شاخه ی پر خار، خار
در میان باغ خائیزش گذر کن، لنگ، لنگ
تا به وجد آید زدل چون بسته بر دلدار یار
سرزمین پاک تنگستان، بسی آباد، باد
میوه های تازه روید تا ز باغش بار، بار ...



راهی آسان برای ارسال مقالات به نسیم جنوب

نسیم جنوب مفتخر است که همانند سالهای گذشته پذیرای مقالات و مطالب شهروندان و نویسندگان است.
خوانندگان نسیم جنوب می توانند مقالات و مطالب خود را از طریق سایت اینترنتی نسیم جنوب برای چاپ در این هفته نامه ارسال نمایند.
نویسندگان و علاقمندان برای ارسال مطالب خود به سایت اینترنتی نسیم جنوب، رفته و نوشته خود را در قسمت «ارسال خبر و مقاله» گذاشته و آن را ارسال نمایند.
مطالب و نوشته های خود را برای اطلاع دیگران به نسیم جنوب بفرستید. آدرس سایت نسیم جنوب:
www.nasimjonoub.com

گیرنده نقل مکان کرده



دکتر محمود دهقانی: برای دو کتاب که من برای چاپ به میراث سپرده ام ، به آقای بقائی رئیس میراث فرهنگی نامه نوشتم تا از سرنوشتشان با خبر شوم، اما سمت ایشان عوض شد. نامه دیگری به رئیس جدید روح الله احمد زاده نوشتم و تا ماه ها صبر کردم و خبری نشد. دوستان گفتند رئیس میراث عوض شده. نامه ای سه باره به سید حسن موسوی رئیس کل میراث فرهنگی نوشتم. پس از چهار ماه برگشته و روی پاکت نوشته اند :"گیرنده نقل مکان کرده است".



آزمون استخدام شرکت ملی نفت ایران

شرکت ملی نفت ایران اعلام کرد: به منظور تأمین بخشی از نیروی انسانی موردنیاز خود جهت خدمت در مناطق عملیاتی از جمله استان بوشهر، از بین داوطلبان واجد شرایط در مقاطع کاردانی و بالاتر استخدام می نماید. نام نویسی برای این آزمون استخدامی از ۸ اسفندماه (سه شنبه آینده) آغاز و تا پانزدهم همین ماه ادامه دارد. تاریخ آزمون نیر روزهای ۵ و ۶ اردیبهشت ماه سال آینده برگزار می شود.
سهمیه جذب نیروی بومی استان بوشهر در مقطع کاردانی ۷۰درصد، کارشناسی ۶۰ درصد و کارشناسی ارشد و بالاتر ۵۰درصد اعمال خواهد شد.
ثبت نام آزمون استخدامی بصورت اینترنتی از طریق پایگاه http://azmoon.nioc.ir صورت می پذیرد.

چه کار به عزراییل دارین آخه؟


داریوش غریب زاده

" تهیه‌کننده فیلم سینمایی «استرداد» گفت: "پول گرفتن از احمد میرعلایی رییس بنیاد سینمایی فارابی سخت‌تر از فرصت‌گرفتن از حضرت عزرائیل است و برخلاف آنچه نقل‌قول می‌شود و هزینه‌ی تولید فیلم را بسیار بالا عنوان می‌کنند، بودجه‌ی این فیلم چهار میلیارد و ۷۵۰ میلیون تومان بوده است. "
نقل از ایسنا
سال ۸۶ فیلم کوتاه بومرنگ را با ۵۰۰ هزار تومن ساختم. سیصد هزار تومان آنهم خرج تعمیر دوربین شد، چون یک قطره آب دریا توی پاور دوربین رفت و کار نیمه کاره ماند. من دوست ندارم از کار خودم تعریف کنم اما فیلم ۲۳ حضور خارجی داشت و کم افتخار کسب نکرد. بعدها یکی از سینماگران خیلی خیلی ارزشگرای کشور که متخصص گرفتن بودجه های خوب هم هست به طعنه در بولتن جشنواره رشد بوشهر گفت: "فیلمسازان بوشهر توقع دارن تو پر قو فیلم بسازن".
الان که چندین سال میگذرد من با پولی که از شکم زن و بچه ام می گیرم و با حقوق بازنشستگی خودم فیلمم را می سازم. آقایون هم دور دنیا میگردند و حالش را میبرند. اینها را میشود تحمل کرد اما اینکه پای حضرت عزراییل را وسط بکشیم آدم را کفری می کند. بابا جان! ببرید. بخورید. نوش جونتون . اما چکار به عزراییل دارید آخه؟ عزراییل چه ربطی به سینما و فیلمسازی داره؟



صدای موج دریا سی مو سی تو
تموم دشت و صحرا سی مو سی تو
بیو سی کُن غروب زرد بوشهر
چقدر داره تماشا سی مو سی تو
«حسین نوری فیروزی»



آسمان عسلویه یکی از آلوده ترین آسمان های جهان است. یکی از پر رفت و آمد ترین شهرهای ایران..
و درآمدهای میلیاردها دلاری کشور از حوزه های گازیش!
..
..
اما عسلویه هنوز بیمارستان ندارد!
دهه ی فجر امسال هم گذشت!
پس کی بیمارستان افتتاح می شود؟!!

فروش زمین

آدرس: خیابان عاشوری -
کوچه قرض الحسنه مهدی عج -
جنب حسینیه سید محمد
تلفن:۰۹۱۷۷۷۱۱۰۳۲

من از مرگ ماهی ها میترسم وگرنه
"درد دلهایم"
را به دریا می‌گفتم .....!!

اجرای کنسرت گروه هیرون به نفع کودکان بی سرپرست در تاریخ ۱۰و ۱۱ اسفند ماه در سالن شهید آوینی . بوشهر - بهمنی میدان رفاه.

